

ملاقات با ستار خان

مخبر مخصوص روزنامه «روسکویه سلود»

(از تبریز چنین می نگارد)

یکگاه است که حکومت نشین آذربایجان تبریز در عماره است. زد و خورد از صبح زود شروع شده تا نصف شب دوام میکند. درین اوقات اخیره کار از جنگ با تنگ گذشته و بجای فتنگ گلوله توپ بکار میرود. از توپهای که در قورخانه دولتی بوده پنج مراده در نحت تصرف و یک اختیاری ستارخان است و سه مراده بدست رحیم خان.

چون از شاه حکمی رسیده است که هر تدبیر و حیله باشد ستارخان را دستگیر کرده و بطهران ببرد و اگر ممکن نشود سرش را بطهران روانه دارند؟ شاه پرستان با کمال جدوجهد بر آنند که یا اسیرش سازند و یا بشهادت نائلش نمایند. خوش بختانه هرچند در این روزها در خیال سوء قصدی بوده اند ولی نتیجه بظهور نرساید، چنانچه پس از وقوع یک مصادمه دعشتقایی که ستارخان دسته ارتجاعیون را از سنگرهایشان خارج می نماید، یک قری معلوم پیش ستارخان آمده و بدین بعضی سنگرهای مجاور را بمغزی آله تکلیف می کند. ستارخان استدعایش را قبول کرده و بهمراهش روانه میشود. که یکمرتبه از پس خندقها چند نفر پیدا شده و در خیال آن بوده اند که ستارخان را دستگیر کرده و بختاه های مجاور آن نقاط ببرد. همین که همراهان ستارخان از حبله حضرات مستحضر می شوند، بافکندن دو نارنجک متفرقشان میکنند. درین وقته هرچند بسواران ستارخان صدمه رسید ولی از طرف مقابل چند نفر بمعرض قتل رسیدند. ستارخان نیز داخل در همان خانه ها شده، چند نفر از دشمنان حویثش را اسیر نموده سپس باردوگاه خود می برد. همین که ارتجاعیون می بینند بدین دسیسه نائل بمرام خود نشدند، راه رسیدن بمنصود را منحصر بدان می ندارند که از زیر زمین راهی بختاه اقامتگاه ستارخان بار کنند درین موقع بز تیر مقصود هدف نمیرسد و مطلب کشف شده، نشبانات حضرات بکلی عظیم و بی نتیجه ماند

محبت طامه اهالی پس از ظهور اینگونه نسبت بدین قهرمان حریت روز بروز در زیاد است و اردهات

باری این قدر از جهات خود مان و از گذشته حرف زدیم، قدری هم از وظایف و تکالیف حالیه ملت و از آئینه محبت بکایم، این را هم مبدای که اگر شاه امروز غالب است فردا بدون شک مغلوب خواهد شد، ولی چگونه باید رفتار بکایم که با سالی منصور برسم؟

اولاً وظیفه ملت در هر نقطه ایران است که دیناری طالبات بشاه ندهند و حکومت را بدست خود بگیرند و از اشخاصیکه شبه دارند در مأموریت نگذارند و مستبدین را محو و نابود کنند و حداً در هر شهر مشغول تنظیم و ترتیب قشون ملی باشند

ثانیاً اهالی آذربایجان و شجاعان تبریز از هیچ گونه معاونت جانی و مالی خود داری تقاضا نکنند، که اگر خدای نکرده در تبریز مستبدین غالب شوند کار خلیل عقب می افتد و تبریز را باید مرکز مشروطه خواهان و مجاهدین قرار دهند

ثالثاً انجمنهای ملی و دانیان ملت هر قسم است باید قنای حجج اسلامیه اعتباراً بعضی بیان نامهها و غیره بنظر ایالات و اهل دهات برسانند و بواسطه و حافظ و ناطقین ملت را از حقوق مشروعه خود مطلع سازند و هر نوع است حجج اسلامیه عقیبات را بایران بیاورند

رابعاً هر نوع است عساکر جاهل را که در اطراف شاه هستند اغنا نموده براگنده سازند و از قوت شاه بکاهند

خامساً اگر ممکن است بعضی از رؤسای مستبدین را یک یک محو سازند و اگر چنانکه با این تدابیر خود شاه تسلیم نکرده و با سبب دیگر رفع مانع شد آنوقت ممکن است که با قشون ملی حمله بطهران نمود و هر نوع است مانع کرد و ایران را آسوده و کلشن نمود

سادساً وظیفه تبع ایران که در خارجه هستند این میباشد که تشکیل کمیته داده اطامه جمع نموده بخیریه اسلامیه و امداد اولاد شهدای وطن و با انتشار بیاننامه ها برای اثبات ملت و غیره بوطن خود معاونت نمایند انشاء الله در مقاله های بعد برض مطالب دیگر مصدع خواهد شد

تذریک نیز قوای امدادیه بی‌دری برای ستارخان می‌رسد امروز بملاقات با ستارخان موفق آمدم ، محله که اقامت گاه خان مزبور است شباعت نام باره‌گاه مستحکم دارد . هر چند که در مدخل های محله امیرخیز مستغظین مانع دخول ایشانان هستند ، ولی با کمال آسانی زیارت ستارخان نائل گشتم

پس از عبور از کوچه های پیچ در پیچ و رسیدن بخانه ستارخان ، خان با التفات کاملی مرا پذیرفت و مدت مجالست چهل دقیقه بیشتر طول نکشید از قرار مکالمه و صحبت مقصد و مرام ستارخان آن است که هماغاه مجلس ملی در طهران و انجمن ایللی در تبریز برقرار و تأسیس شود ، و بعلاوه افراد هیئت انجمن « اسلامی » تبریز بکلی طرد و دفع شوند ، و برای من نیز چنین تقرر نمود :-
« مقصد من هماغاه کوشیدن در راه حریت است و طرفدار مجلس و قانون اساسی هستم »

اکنون که پس از فراهم آوردن دسایس بسیار شاه بمطلوب خود رسیده ، رازهای نهانی و افکار قلبی خود را نسبت بمجلس و اعضای انجمنها فاش کرده و از مرض اجرا گذرانیده ، چون ما اعضای انجمن بقرآن مجید قسم یاد ~~نکرده~~ و بیکدیگر قول داده ایم که تا آخرین نفس در راه آزادی بکوشیم ، محض نه شکستن چنان ، ایضاً بعهده در نزد خدا و پیرگرامیش نموده و اظهار خلوص نیت و پاکی عقیدت نسبت باساس مشورت و مشروطیت در نزاع و حدالیم ؛ اگر قانون اساسی برقرار ~~نکرده~~ ما ما کمال رشادت موت را استحقاق کرده ، سر را بر بدن بار شمرده و خونمان را ایثار می کنیم ؛

در اثنای همین صحبت صدای گلوله در گرفت مجسمه شجاعت ، بیکر رشادت طائفة دلیری و شهامت ستارخان با محله هرجه تمامتر با من وداع کرده بسنگرها شتاپید ، و من هم خود را بهر طور بود از میدان نبرد آن دلاوران آزادی خواه از تکرک گلوله نجات دادم بدیوار مسجدی که هر روز طرفداران ستارخان در آنجا گرد آمده و کنکاش می نمایند و در حوالی ارملستان است ، دو صورت تلگراف از صحیح اسلام نجف اشرف جسییده شده است ، مفاد یکی از آنها آن

است که شاهرا شرعاً اختیار تعطیل و انفصال قانون اساسی و مشروطیت نیست ، و ملخص دیگری آن است که هرگاه شاهرا بملت اذنی باشد تسلط ملت بشاه جایز نیست

سواد مکتوبی است که از تبریز ~~رسیده~~
یکی از مجامدین قفقازمقیم تفلیس رسیده است (بتاریخ سلخ رجب ۱۳۲۶)

اگرچه تفصیل احوالات را دو روز قبل بتوسط پست عرض و ارسال خدمت نموده ام مجدداً زحمت داده عرض این مختصر از احوالات این صفحات اطلاع میدهم ، امیدوارم بجمداق تعالی وجود شریف سرکار قربین صحت و اعتدال است و احوالات تبریز از قراری است که عرض می شود :- از فضل و مرحمت خدوندی و حضرت ابوالفضل سرکار امیرالامراء العظام آقای ستارخان سردار در کمال سلامتی میباشند و طرف ملت همه وقت از اول مرحله روز بروز غالب هستند ، اما طرف دشمن همیشه مغلوب و خوار و ذلیل بوده و هستند ، طرف ملت روز بروز با فتح و نصرت و ظفر می باشند و همه روزه از اطراف دسته دسته کک و استعداد بجهت همراهی ملت می رسد و از خود شهر و جمیع محله ها هم آقدر تفنگچی هست که حد و حساب ندارد ، تمام اطراف شهر سنگرهای خیلی محکم بسته و توپ کشیده اند ، یک هراده توپ هم بنده آورده ام بالای محله خود مان گذاشته ام ، ما حاصل مطلب این است که پیش رفت و ترقی و فتح و غلبه ملت خارج از قوه عقل است ، اما آنچه که عین الدوله است - آمده باجهی سوار و سرباز در باغ صاحب دیوان سکنی کرده هر وقت اسم تفنگچی ملت ذکر می شود مثل شالطه بید می لرزد

چند روز قبل عین الدوله به محمدعلی شاه تلگراف ~~نکرده~~ است که بنده را فرستاده اید در اینجا هرجه ملاحظه میکنم بنده نمی توانم با ملت طرف بشوم ، بنده را ازین خدمت معاف فرمائید ، حالا همین طور آمده نشسته است تا بعد هرجه اتفاق بیفتد عرض خواهم نمود ، در کاغذ قبل نوشت حالا هم مجدداً که خیلی لازم است می نویسم ، یکدانه دوربین دو چشم که بسیار ممتاز و اعلی باشد - و دیگر آنکه ماشه فشنگ کشی ، طباغچه و

ده تیره بنده عیب نموده بکدانه دادم حامل هر یکه از همان ماشه ها نمونه آورد که شاه بنید چهار پنج عدد از آن ماشه ها خریده جبهه بنده روانه فرمائید همین قدر خواهش دارم که دورین و ماشه هارا بتوسط بست ارسال فرمائید که زودتر برسد سرباصکت و امانت را بدین طریق بنویسید بنده می رساند

احوال طهران - چند روز است که بازارها بکلی بسته است و شورش و هیجان ملت چند روز است برپا شده است و ملت چند فصله مطلب نوشته از شاه خواسته اند. اولاً گرفتن رحیم بیگلر و شجاع نظام و دادن قارت ملت و چند چیز دیگر که جمیع هفت فصل می شود. من جمله اسناد مجاس دارالشوری کبری آنهم در تبریز زیرا که اهل طهران نتوانستند دارالشوری را حفظ نمایند، فصل دیگر خواستن وکلای دارالشوری که هر جا رفته اند اینهارا با احترام حاضر نموده بیاورند امیدوارم که این مطالب انشاء الله تعالی بزودی صورت انجام بگیرد. خدمت هموم مجاهدین و رفقا عرض سلام برسانید

امروز سه ساعت بغروب مانده جناب جلالت مآب آقای ستارخان سردار جبهه بدین جناب باقر خان بخیرابان تشریف برده بودند اگر چه بی خبر تشریف بردند لکن در نهایت جلال و احترام بذیشان مقدم مبارک سردار ملی را نمودند. قریب ۲۰۰ نفر از سوارهای بنده و شاطر محمد حسین در خدمتشان بودیم هم در آمدن و هم در مراجعت که یکساعت بغروب مانده بود. اهل شهر خبردار شدند از خطیبان تا امیرخیز قریب صد جا قریب سر بردند

ناله ملت

﴿ بتاريخ ۲۴ شهر رجب المرجب ۱۳۲۶ ﴾

﴿ مطبوعه تبریز ﴾

(سواد) مکتوبی است که از میرزا جیه خان برادر زاده حاج سالار دیوان به عنوان صدق السلطه نوشته شده و دست خدای اش قاش نموده برادر مکرما - بست بی تزیین شده نوشته است مقدم و مؤخر میرسد باکتی که ۲ رجب فرستاده بودید هم رسید نمیدانم در شهر مطال مسکوره بودند یا پستخانه

توقیف شده بود. باری هرگاه از حالت خودمان جویا باشید بحمد الله عموماً سلامت و تندرست هستیم احوالات تازه چیزی نیست. حضرت اقدس والا شاهزاده عین الدوله دامت شوکت هم تشریف آورده اند الان در جمع هستند. حضرت آقای سپهبدار و سهام لوله و شاهزاده فرما فرما و هموم رؤسا و کدخدایان شاهسون و سرکردگان جسد. شهر هم سه چهار روز است دعوا را متارکه کرده اند. ولی باز خسته نشده و از آن حرفهای سابق عنوان مینمایند. بعضی لامذهبا هم کما فی السابق در کار خودشان سعی و جامه مستند و در عرض این چند روز پولها که از اعیان و تجار و کسبه و گسایکه در شهر هستند گرفته اند حد و اندازه ندارد پدر مردم را در می آورند و همه قسم اذیت و آزار مینمایند و مردم هم از ترس نمیتوانند نفس بکشند. چار و جنگ مانده. رجاله و اجاس و اوماش کمال نساط و قدرت پیدا کرده اند اهالی شهر را تحت مینمایند داد و فریاد بجائی نمیرسد. منم دو سه روز قبل رقم در سعد آباد حضرت والا شاهزاده عین الدوله را ملاقات کردم خیلی اظهار محبت و مهربانی فرمودند تا غروب هم نگاه داشته شب را آمده در نعمت آباد منزل جناب حاج مؤمن مانده صبحی دوباره بسعد آباد مراجعت نمودم و صحبتهای مفصل شد. حضرت آقای سپهبدار هم بودند اظهار خصوصیت میکرد حکم باید عرض صدق السلطه شما در این جا بذیشان بکنید. گفتم حاضریم شاهزاده فرما فرما دو سه شب در لقوان مانده از آنجا قریه میروی رفته و یک شب هم آنجا بسعد آباد حرکت کردند برای بدین شاهزاده خیال داشت برود الذبح و زرقان سرعلائق و نیولات خودشان سرکتی نمایند. اعتقاد ندارم حضرت والا شاهزاده عین الدوله بگذارد برود حایه یعنی خودشان نگاه داشته اند. جناب امیرمعزز حاکم اردبیل و آقای قی معاون الایاله هم همراه شاهزاده آمده هرگاه این دو سه روزه کار شهر طوری باصلاح و ملامت گذشت و رفع غائله و اختشاش شد فیها و لا خدا نکرده بکلی شهر را خراب و پایال خواهند نمود. امیدوارم انشاء الله باحسن تدابیر و کفایت حضرت والا شاهزاده عین الدوله امنیت و رفاهیت حاصل و بیشتر از این اسباب زحمت و خانه خرابی

فراهم نیاید

عجالتاً حضرت اقدس اشرف والا شاهزاده سوار و جمعیت زیاد آورده ولی تا حین اقدامی نشده اگر چه آخر الامر منلوب خواهند شد نمیتوانند با دولت طرف باشند و دعوا نمایند و لیکن شهر را بالمره حطراب خواهند کرد. شهر به آن عظمت عنتریب داغون میشود حال و جان مردم پایمال میگردد روز بروز خانه معارف و غیر معارف را داغون میکنند، روزی دوهزار تومان مخارج دارد. این رجاله که خشک برداشته اند از مردم میگیرند، هنگامه است هیچ عکس تکلیف خودش را نمیداند، الساعة در هر خانه آدم گذاشته پول اعانه می خواهند میگویند یا پول بدهید یا خانه را داغون میکنیم، احوالات قیامت است پدر سوختها عقل ندارند دین ندارند هر چه ممکن است میکنند، شش صد تومان از ما قبض نوشته اند، اعانه میخواهند يك كميون کردند هر روز سؤال و جواب است حالیه نه تلگراف خانه داریم و نه پست خانه درکار است، هموماً تسلیل است کاغذ هم نمیتوان نوشت هرگاه کاغذی نرسد نگران نباشید عجلتاً طرق مختارت مسدود و مقطوع است (عنوان سرباكت)

طهران هریضة حضور مبارك حضرت مستطاب اجل اكرم اعظم اعظم آقای صدق السلطنة روحی فداه شرف افتتاح پذیرد - ۲۲ شهر رجب ۱۳۲۶

هر ذی حسی که اندک ملاحظه در مندرجات مکتوب مشروحه فوق بنیاد تواند دریافت که چه قدر بی غیرتی و بیدردی در رگ و جان این طبقه منکوب ریشه دوآئیده که نه از حقوق ملی بهره دارند و نه از وطن پرستی علائقی در آنان محسوس است، همه انت و طرز شان و همه طرح ریزی و نقشه کشی شان نیست مگر ویرانی وطن عزیز و آبادی تن بلید خودشان، در این موقع برخطر که کشتی استنلال ملی ما دچار چهار موج حوادث بوده و جنگال خونین در اندام نازک حیات قومی ما فرورفته و روز بروز انقلابات جدیدی که چون نار موصده از هر جانب مملکت ما را احاطه کرده شاه و رعیت که یکی از سوء تدبیر و زرای خود پرست و حرکت سواران جیره دست مات گشته و دیگری جز اینکه پیاده وار از این جا بدانجا حمل و نقل

نماند دیگر اختیاری ندارد

شاه را بخدا خبت ذات و فساد نیات این جنه گرگان ستم گار را تماشا کنید عوض اینکه از دست این مات فلک زده بدبخت بگیرند و با این جمع مشوش که از اقدامات ناموس شکنانه همین دولتیشان بی دولت پریشانتی از خاطر دشمنان وطن است یاری نمایند بدبختانه قلماً قداماً جانا در اضمحلال و انکارشان کوشیده و در فراهم آوردن اسباب قتل و غارت آمان دقینه کوتاهی نموده و بسا اوقات که از قتل نفوس زکیه و هتک امراض مخدرات شادمانها مینمایند. تف بر این غیرت اف بر این سست عنصری، سبحان الله همین خانواده که در این نزدیکها کلمه محترمه جابله را نیز بجهت قبول برخورد از زوده اند همه میدانند و میشناسند که تقریباً پست سال قبل در چه حال بوده بکدام شکل اشتغال داشته اند، از پست سال باین طرف از مقطوع مواجب سرماز و حیره افواج تروقی اندوخته و صاحب ضیاع و عقار گردیده، بس دست بردست جماعت عنکرین که اغلب آنها از ظلم نمایان پانگ طینت بود داده و خود را رکن اعظم احتکار و خرج میزان را در وجه يك حوشه گندم قرار داده و بردار و ندار و فرش و ظرف و سایر مخلفه اهالی فلک زده تاختند، اکنون که از همه جهت اوضاع زندگانی و اسباب عیش و عشرت خود را آماده نموده اند دیگر هیچوجه در فکر فقرا و ضعفا نبوده سهل است که تمامی هم خود را برقطع نسل و قتل آنها موکد ساخته اند، غافل از اینکه دست غیبی حضرت پروردگار با جماعت یار بوده و مکشورات ضمیر ایشان را در هر حال فاش خواهد کرد.

هان ای بدبختان سرود منتظر باشید که ایرانیان شما را مثل (نیاپارتیان) فرانسه از زندگانی سیر خواهند نمود شما باشید و این باد و روت که در دماغ شما جای گرفته انشاء الله عنقریب بدن محس شما را از جوبه دار آویخته و انتقام چند ساله را حراضد کشید

یاد داشتیست که انجمن ایالتی آذربایجان

رسماً بتمام جنرال قونسلها و نماینده گان

دول خارجه پیش کرده است

اصل ۲۴ و ۲۵ از قانون اساسی دوات عالیه ایران

اصل ۲۴ - بستن عهدنامه ها و مقابله نامه ها
اعطای امتیازات (انحصار) تجاری و فلاحی
وصلتی و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد یا خارجه
باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهدنامه
هاییکه استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد
اصل ۲۵ استقراض دولتی بهر عنوان که باشد
خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب
مجلس شورای ملی خواهد شد

بموجب این دو اصله قانون اساسی که در فوق
ذکر شد دولت ایران بدون تصویب مجلس دارالشورای
کبری ملی حق هیچگونه دادن امتیازات و کردن
استقراض از داخله و خارجه ندارد ، این است که
بموجب همین ورقه تمامی نمایندگان دول خارجه اعلام
می شود در این موقع که مجلس مقدس شورای ملی
ایران بطور مجبوری اضمال شده است هرگاه از طرف
دولت ایران استقراضی شده یا امتیاز اعطا گردد ملت
ایران خود را بیپس وجه پای بند آن ندانسته جوابده
نخواهد بود ، و بر طبق همین اعلام نامه پروتست رد
و عدم رضایت خود را بشدت اظهار و اعلان می
نماید . انجمن ایالتی آذربایجان

اعلان از انجمن مقدس ایالتی آذربایجان

الته بسموم اهالی واضح و مبرهن است که از بدو
مشروطیت تا کنون تقریباً یکصد دستخط از مقام ملایع
حضرات صحیح الاسلام نجف اشرف دامت برکاتهم بر تشیید
اساس مشروطیت صادر شده و تمام علمای اعلام مذهب
اثنا عشریه تصدیق احکام مقدسه را فرموده و بسوگند
قرآن مجید هم قسم شده اند که در حفظ این اساس
همراهی فرمایند ، تا بعد از دو سال که مجلس شورای
ملی را بتوب بسته و وکلا را متفرق نمودند این طبر
بسمع مبارک حضرت صحیح الاسلام رسیده و حکم
تلگرافی قطعی تمامی ممالک آذربایجان و اصفهان و
شیراز و طهران و غیره فرموده اند که هرکس مخالفت
با مشروطه نماید حکم تبعیت بزید بن معاویه را دارد
و محارب با امام زمان علیه السلام است ، این تلگرافات
حضرات صحیح الاسلام را در تلگرافخانه توقیف کرده
نرسانده بودند ، تا اینکه هکس آنرا از نجف اشرف
فرستاده اند بر حسب وظیفه اسلامی که فداقتیوبت

مشروطیت از تکالیف شرعی مسلمین میباشد سواد
دستخط را طبع کرده و انتشار دادیم که هموم مسلمین
ملاحظه نموده و بتکلیف شرعی خود عمل کنند ، و
هرکس از این حکم مبارک مخالفت نماید ما مسلمین آنان
را شیعه اثنا عشری و مسلمان نخواهیم دانست ، هکس
دستخط مبارک هم در انجمن ایالتی حاضر است اینک
سواد یک فقره دستخط مبارک حضرات صحیح الاسلام
را که توسط انجمن ایالتی بخاربه فرموده اند عیناً درج
می نمایم :

بتوسط انجمن ایالتی تمام هشایر و ایلات و سرحد
داران آذربایجان - اردبیل - قراچه داغ ، مشکین ،
میانیج و ماکو و غیر هم دامت تاییداتم . اهتمام این
خدام شریعت مطهره در تشیید اساس مشروطیت برای
حفظ مذهب ای عشریه و جلوگیری از دشمنان
دین اسلام است و تمام دل گرمی ما هادر این سی و
اقدامات بغیرت دینی آن برادران بوده و هست و آنچه
برخلاف مشروطیت تا بحال از هرکس ظاهر شد همه
بحریکات بوده ، حال علایه خود شاه در مقام قتل
مسلمانان بر آمده است لهذا صریحاً میگوئیم اهتمام در
تشیید مشروطیت چون موجب حفظ دین است در
حکم جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا قدها و سرموش
همراهی با مخالفین و اطاعت حکمشان در تعرض مجلس
خواهان اطاعت بزید بن معاویه و با مسلمانی منافی است
(این صورت صادر ازین احقر است . نجل مرحوم میرزا
خلیل ، صحیح است حرره الاحقر عبدالله المازندرانی
صحیح است حرره الاحقر الجانی محمدکاظم خراسانی
انجمن ایالتی آذربایجان

گوینده محترمی چنین گوید

(ای مسخر کرده سر تا با وجودم را غمت)

(باز در تسخیر ملک خویش این تدبیر چیست)

شب گذشته در گوشه قرائت خانه بازون ترکی
اتفاق ملاقات افتاد بملاحظه (والساحب بالجانب) از
طرفین رشته الفت بهم پیوسته آمد پس از لحظه که از
تاب محبت رشته استحکام پذیرفت گفتم ای رفیق علت
ظان چیست آنجاه ژون ترکها چیست ، گفتا مطلبی است
بس مطول و سخن است بس مفصل اجمال مسئله اینست
که جوی از روی بغیرت دامن همت برگرسته و میبخواهند

که حق را بصاحبش نسیم ناپند، گفتم که حق چیست و صاحبش کیست، گفتا که حق حریت و صاحبش ملت است، گفتم این حق حق طبیعی است یا مصنوعی و جعلی اگر طبیعی بود چگونه از مجرای طبیعی خارج و در هاست که می بینیم در حال غیر طبیعی ممکن داشته، و اگر جعلی است که حرکات بخلاف طبیعت منتج غالبیت نیست چنانکه در قضیه مشروطیه ایران دیده شد، رفیق ژون ترک ه خود پیچید و گفت که در این کلام مختصر هم سؤال کردی و هم ایراد نمودی و هم بشری زدی، باید مدافعه (ناتومی احسن) پردازم، بدانو آگاه باش که شرع و عقل حکمت که تکوین و خلقت بی نوع بشر از یکجا، است (ما خلقکم ولا نستمک الا کفیس واحده - مائری فی خلق الرحمن من تفاوت یا ایا الناس اما خلقنا کم من ذکر و ائی) «کلکم بنو آدم لافضل لاحدکم علی احد الا بالتقوی» آیات و اخبار و دلائل فلسفیه حاکم است بر مساوات بی آدم در خلقت و مساوات در حله لازم دارد مساوات در استفاضات را چنانکه خطایات همومیه کتب مقدسه ساهبه دلیل مساوات است در خلق و یا متعلق به و بترتب علیه (و جعل الارض ذلولاً قامشوا فی مناکیبها و کلوا من رزقه) و غیر ذلک من الایات، پس چون کلیه مساوات ثابت شد در عموم حالات بشریه خروج حریت را از این عموم دلیلی نداریم، پس باید حریت هم مثل سایر نعمتهای الهی حق عموم باشد و مال محدود قلیل، و چون حکمت خداوند طبیعت آفرین دارد آست که قسر و زور طبیعت را از کار خود نتواند ار دارد تا طبیعت را قادر علی لاطلاق صدق نکند، لهذا زور میثوم که آله تمام تصدیقات است از قدیم زمان این حق طبیعی حتما دادی را از مجرای خود خارج و ه تصرف زور داران داده و بمرور زمان این طاعت رده رنگ طبیعت ثانویه گرفته و هر زور داری خود را مطلع جعلی میداند و هر بزوری خود را ذابین طبیعی می بندارد و از اینست که یکی بر تخت خود می آید و دیگری از طالع خود می آید، و حال آنکه منشأ تمام اختلاف مذکور زور است که طبیعت را قسر بخلاف مساوات در حریت باز داشته، چون مرضی که بواسطه حرارت غریبه بر مزاج مستولی شود رنگ طبیعت ثانویه گیرد

لابد سوزناج حاره حادث گردد و بدون معالجه محال اصلی بر نگردد و رفع این مرض سوزناج ممکن نشود الا بدفع حرارت غریبه حکه مادی این انحراف شده، فعلی هذا طبیعت اتحاد ژون ترکها در معالجه این مرض عزمین جنان دیده اند که زور میثوم را که عات رفع مساوات و حریت از بین افراد عباد الله است از دست زور داران بازستانند و لابد در این مدافعه زور احتیاج بزور خواهد بود والا باز آغاز مسئله اعاده خواهد شد پس ابتدا به اتحاد اردو ما عوده و تمام فوه زور دور داران را ماحود همراه داشتند آنگاه که جهاق زور را از دست حریت گرفتند مستصفاً باقه مطالبه حقوق طبیعت ملت را در کمال نزاکت از اعلی حضرت اقدس شاهان نمودند و از فرط یکاست و کاروان که آن اعلی حضرت را مسلم است صریحاً خیر خواهانه جا کران را بسمع قبول اصفا فرموده و حریت را که مخصوص ذات شاهانه در دست محدود قلیل بود تمام ملت احسان فرمودند

و اما عدم موفقیت ایرانیان فقط از عدم ملاحظه این نکته دقیقه شد که به اتحاد لشکر و عشایر اهمیت نداده و قوای لشکری را سرحده دست جوهر استبداد داشتند و نداشتند که مقابله زور با زور باید کرد

(هر که با فولاد بازو بجه کرد)

(ساهد سیمین خود را رنجه کرد)

این بگفت و به خداب سپرد و بیرون رفت من شده لحظه جوف نقش بر دیوار از خود بی خبر بودم چون به خوبستن آمدم مسائل خود را بحباب و مشکلات خود را واضح دیدم و بیده ظلم را فهمیدم و منشأ تعدیه را دانستم و راه چاره را شناختم و حیطه ابرایان را در راه مشروطه طلبی ملتقت شدم، آهی کشیده و دست حسرت بر سر زدم که از چنین مرد ساسی چرا راه چاره امروزه ایران را نپرسیدم که درد بیدرمان و مرضی علاج منصور بیست ما این حال نحس خوابم در رنود شدت احتیاج و تعلق حیات منطابیس وار رفیق ظاب را احضار نمودم بی مقدمه پرسیدم که امان دخیل حالت حالیه ایران را میداید و از دردش با خرید چاره این درد چیست و راه علاج کدامست گفت؟ علاجی که موجب بره الساعه

باشد در قوه فکر بشربست

اما آنچه که برور زمان مداوی کند واقه اعلم است که جی از غیرتمندان ایران در ملک آزادیی تیظن و تجمع کنند و حوزه ترتیب دهند و دفتر اخوتی باز نموده و دامایان ایرانی که در خارج مملکت هستند یکایک جسته و داخل اخوت نمایند و از برای این برادری یکصدوقی و به برادران یک وجه دلولیه ابتدائی مقرر دارند و یک وجه سنویه استمراریه معین دارند و این جمعیت از خارج بهر وسیله که صلاح داند رؤسای عساکر و عشایر ایران را با سرجنابان هر مملکت که سراغ کنند به عین و تحلیف کتبی داخل این اخوت کنند و از این لحاظ داخل کار شده و بسر منزل مقصود خواهند رسید، والا تا حصار قلعه زور دور استبداد را گرفته مشروطه را بحال حرکت نخواهد بود، بهر وسیله که ممکن است باید زور را که آله قسریست است بدست آورد، و سه مرتبه مکرراً به خشونت گفت امان از دست زور، امان از دست زور، امان از دست زور در اینجا از خواب جستم و موقوف را بهرض حامی وفدائی ملت حضرت مؤیدالاسلام رسانیدم

(ای صبر دوش زلف یار خود دیدم بخواب)

(باز کو خواب پریشان مرا تعبیر چیست)

حکم قد ینزل الله الموقین منکم

(بیگانه اگر وفا کند خویشش گیر)

(ورخویش جفا کند بداندیشش گیر)

(گر زهر موافقت کند تریاق است)

(ور بوش مخالفت کند پیشش گیر)

میزان اتحاد و برادری موافقت است طیبت زمان و میزان امتحان تبریزیان را در اندک روزگاری دوره تاریخی را اعاده نمود و درس طیبی داد و فهمیدند که برادری حمال را اعتماد تشاید و بتول تنها اطمینان یابد، ینک چون کار بحرف و کارد باستخوان رسید شرح حال برادری ایرانیان را دو کال اجمال بسمع مالکوتیان علم بالا میرساند (تا بداند که آئین وفاداری چیست) برادران ایرانی با ترکان آذربایجانی که هموطنان ابراهیم خلیل رحمانی هستند عقد اتحاد بستند و برادرانه ۳۳ پیوستند و به تأسیس مجلس شورای ملی در مقابل استبداد سده بستند و خلیایان را به حلات برگزیده مقدمه الحین اتحاد و پیش قراول لشکر عدل و داد مقرر

کردند که در جان نزاری پیش قدمند و در وفا داری احسن الامم باجمله بارسال رسائل متوالیه و تلکرافات مجدانه غیر متناهی که در اوراق جراید مطبوع و مقید است بر سرکارشان آورده از شهری تلکراف زدند که با تمام قوا حاضر و بسمت مرکز حرکت کردیم منتظر اقدامات برادران آذربایجانی ایدم الله نصرهم هستیم، از ولایتی بخبره نمودند که تا آخرین قطره خونهای خود در حمایت مجلس مقدس و مشروطه جان بکف حاضریم و منتظر ورود برادران آذربایجانی خود میباشیم، از مملکتی صدای حیو علی الفلاح بالاجل به گوش تبریزیان میرسد، بندر معتبری تلکراف میزنند که جان ما فدای قدمهای برادران آذربایجانی بانی انم و امی ... از سواد اعظمی تلکراف میرسد که بیرون شهر با چهل هزار نفوس حاضر و در شرف حرکت حبه امداد برادران آذربایجانی هستیم و غیر ذلک، که اگر تمام رسائل و تلکراف ها به قید تحریر آید (مشهوری منتصاد من کاغذ شود)

باجمله عهدها بستند، و میثاقها نمودند و بشراکت تمام ملت دستگامی چیدند و امقمة عدل و داد و مساوات و اتحاد در او نهاده و مشغول تجارت شدند. بعنوان اینکه از خیر و شر و نفع و ضرر آنچه باید شود باید افراد ملت گردد و با جان و مال در ترویج این منافع و در حفظ اساس این دستگاه اظهار پایداری نمودند و بر وفا داریم سوگند ها خوردند، لاجرم چون بدست برد استبداد پای ضرر بمیان آمد تمام شرکاء دست گریز بکردن بسته و پای بگریز گذاردند، و انکار شراکت نمودند و سرمایه خود را باز پس گرفته و زیان مال و جان را به آذربایجانی باز گذاشتند و حال آنکه آذربایجانی از ایشان به محض همراهی قولی قانع بودند و توقع جان بازی از ایشان نداشتند، اگر تمام ملت تعطیل عمومی کرده و بواسطه مصیبت زدگی آذربایجانیها یکمته دکا کین خود را می بستند و دست تظلم بسوی آسمان بلند می کردند کار خون ریزی استبداد در تبریز باین درجه میرسید و بزودی حقوق مقصوبه این شرکت اتحاد و تجارت عدل و داد مسترد می گشت، قطع نظر از اینها در این چند ماه که آتش استبداد در تبریز

تر و خشک را علی حد سوا می سوزاند از هر شهری
 يك تلگراف نو - طی به مرکز خاربه نشده بلکه تلگراف
 تشکر از اقدامات استبدادیه به مرکز رفت از هر نقطه
 بسیاری یکی میگوید ما مشروطه نمیخویم ما شاه
 میخواهیم بخیالشان که مشروطه طلبی منافی با دولتخواهی
 است یکی میگوید که ما شاه را حاکم و مؤسس
 مشروطه میدانستیم و مشروطه طلب بودیم حال که معلوم
 شد شاه مشروطه نخواهد نیست ما بطریق اولی
 نخواهیم بود یکی میگوید ما به نسبت شاه مشروطه مشروطه
 میخواهیم لافیه سلسله تصدیه عربی در صورت شاه و
 خذلان صحیح الاسلام حضوراً انشاء میکنند طایفه تصنیف
 درست کرده و خواننده شاه میدهند که در میان آوازه
 خوانی حضوراً برض رساند که یکی از آنها این رباعیت
 (خالی ز حلال و جاه باشد تبریز - قربان وجود شاه باشد
 تبریز - شاه سرزنده بود به کامران در ملک - با کی نه
 اگر تپاه باشد تبریز) تیجه ملیت و قومیت و اتحاد
 و عهد و پیمان برادران ایرانی را باید معرض تشکر
 نمود (ما زیاران چشم باری داشتیم) اردوهای متعدد
 که تبریز گسیل شدند از اهل کدام سرزمین است! نتوانستند
 به اتحاد که بگویند که ایشان برادران مسلمان ما هستند؟
 دیات ما و ارضی بمقاتله ایشان نمی شود - ما تابع شرعیم
 نه خادم ظلم از این بالاتر توفی که از ایشان در دل
 داشتیم این بود که تلگرافخانه ما قوه قاهره نداشتند
 و در هر شهری جمعیت تلگرافخانه رئیس و رؤس
 از ده نفر پیش نبودند چرا ملت سبیه تلگراف خانه
 هارا تصرف نیاوردند که ملت با هم درد دل کنند و
 از همدیگر استفاه نمایند . ! اینکه سیم ها را چرا بهم
 نزدیک تا استبداد هم در مخبری از هم دیگر با ملت
 هر رنگ باشند . وجه شکوه ما و گله ما که از برادران
 ایرانی در دل نداریم مع ذلک که ما قطع امید از
 ایشان نکرده ایم باز از ایشان امیدواریم داریم (چشم
 بسوخت زائش و چشم هنوز تر (یعنی نکرده ام ز
 تو قطع نظر هنوز) فلهمذا ما عرض میکنیم که ای
 برادران دین و وطن ما پیش از این راضی نشوید که
 استبداد درخانه ما حکم کند ما پیش قدم و پیش جنگ
 تمام ملت هستیم از شا باری حربی و رزمی نمیخواهیم
 پس از شا به ترک امداد لشکر استبداد قانع و شاکریم

اگر این را هم مضایقه فرمائید (سوف یات الله قوم
 یحبونهم و یحبوه ادله علی المؤمنین اهنة علی الکافرین)
 میداید که کسی از جان و مال دو راه برادر مضایقه
 نکند او را همه کس برادری قبول خواهد کرد چنانکه
 می بیند این گوهر برهادر را برایگان از دست ندهید
 لشکری که بجهالی و همیزم شکنی و فعلکی مدحوم نموده
 بی جیره و مواجب از خانان خود دست کشیده
 ما اینکه پرورده رف و سرما است در آفتاب نوز در
 حدود جنوب ساحلو بکشد مخصوص آذر باخجان است
 اردوی قته و آشوب سیاره است اگراد اهراب
 انگریز ، بلوچ افغان ، اوزبک ، روس و ترکمان ، دار مدار
 ایران را گرفته اند روزگار خوشی محتاج فکر نیست مافل
 باید فکر روزگار بد را نکند - بیایون ظلم اسلام اجماع
 نموده اند که اسلام امروز در خطر عظیم است و چاره
 خلاص او را منحصر به اتحاد در تمام اسلام دانسته اند
 با این حال شا با برادران خود اختلاف و فاق دارند
 (ما کجایم در این بحر فکری نو کجایی)

خطابه مجاهدین تبریز باهل نظام

خطابه ملت

ای برادران اسلام ! ای سواران ! ای سرمازان
 و توپچیان و هموم اهل نظام ! آیا میدانید که شارا
 بجنگ مسلمانان چرا آورده اند؟ آیا میدانید که معصود
 این يك ملت مسلمان فلك زده از مشروطه چیست؟
 مگر حکم علمای محف اشرف را ملاحظه فرموده اید
 که صریحاً می فرماید کسی که ضد مشروطه باشد مثل
 آنست که بر روی طام عصر مجلاله فرجه نیخ کشیده
 باشد ، مگر معصود ما این نیست که حقوق و مواجب
 شارا زنان قاحته مصرف نمایند؟ ای صاحبمنصبان !
 خدا شاهد است که معصود این است شا را از تعظیم
 و از صرف فرود آوردن و پسران ساده و خسار نجات دهم
 ای شاهزاده اعظم عین الدوله ! ای سپه دار اعظم
 دیروز نبود که امر دان چهاره ساله در دربار ار
 شا مغربتر بود؟ مگر این است که اگر مشروطه
 برقرار باشد قدر شا ها معلوم خواهد شد؟ دیروز
 نبود که مواجهای شارا در مهاجخانه های فرنگستان
 بنوعی صرف نمودند که قلم از نوشتن حیا می نماید
 ای سرکردگان و ای غیرتمندان شاهسون شا ها

که صاحب ناموس هستند ملت که حق با خودشانرا
 از دولت میجوهد عرض اینکه یاری نماید با ملت
 معلوم طرف شده جنگ می نماید ؟ رور محشر پیش
 حضرت رسول و همه اطهار و حضرت حجة (ع)ف)
 چه جواب خواهند داد ؟ و الله باقه مستبدین
 میخواهند شما مسلمانان را در زمرة لشکر یزید بن
 معاویه محسوب نمایند ! این است حضرات حجج اسلام
 محف اشرف بطرف بران حرکت می فرمایند و دیروز
 خبر تلگرافی از اسلامبول رسیده آوقت حال مستبدین
 و تمام کسانی که با آنها کمک نموده و در ضد مشروطه
 هستند چه خواهد شد ؟ خدایا شاهد باش ما حق را
 نوشتیم و آنچه شرعاً تکلیف ما بود بجای آوردیم و
 در راه این مقصود مقدس تا آخرین قطره خون
 خود ایستاده ایم مراد ما صیحت بود و گفتیم
 (هموم ملت مظلوم)

مکتوب از نجف اشرف

شب شنبه ۷ شهر شعبان تلگراف مندوج در حربه
 مقدسه جبل المئین که آذربایجان فیور ساکین فغانز
 خدمت حضرات حجج اسلام و طلاب محف اشرف
 نموده بودند در مجلس درس دو پای مبارک چند
 نفر از طلبه عدالت حواء ملت برست بیای ایستاده و
 قرائت نمود مدرجات این تلگراف آتش علی حله
 عم و سنده شرع شریف زده عویکه صدای ضجه و
 ناله و اسلاما و شریعتا از این مجلس رخواست و
 چون تلگراف منضم استیاض آقایان و حجج و
 طلبه بودند . حضرت حجة الاسلام سد از قرائت و
 اتهام این تلگراف فرمودند که لازم است بحث را امشب
 مبدل به بعضی مطالب واجب نموده فرمایشات مبارکه
 قرب این مضامین مقرر شده

ملق مبارک حضرت آیتا که فی لارضین

(آلود ملا محمد کاظم خراسانی)

(ادام الله ظله المتالی علی مفارق المسلمین)

(اولاً باید دانست که مشروطیت قید بجهت سلطنت
 ظلمه جاره است که بواسطه این قید تقلیل در ظلم و جور
 دولتیان خواهد شد که نتیجه و نمره اش حفظ پیضة
 اسلام و سلطنت تشیع است از دست اندازی اجانب

نه آنکه اصل ظلم و جور از آنها مرتفع شده عادل
 و قی خواهند شد چه حکم عدالت واقعیه ملوط و
 موقوف بظهور ولی عصر عجول الله فرجه است پس بنابر
 این هیچ راه ندارد که بعضی از اشخاص جاهل نادان
 مدسیسه آنکه مشروطه باید مشروعه باشد علم مخالفتی
 بر افراشته موجبات ضیاق و اختلاف فزاین مسامین
 فراهم کنند

و ثانیاً اینکه می بینید در بدایت امر مردم ایران
 نوعاً خواستگار مشروطه شده و بعد متدرجاً از
 بزرگان و غیر بزرگان مخالفت نمودند بواسطه این بود
 که معنی مشروطه را بالا ابالی بودن اهالی در دین
 شناختند چنانکه بعضی از سفله و جهله خیال کرده اند ،
 بلکه مردم ایران خیال میکردند که مشروطیت فقط محدود
 امور دولتیان است و چون این معنی رفته رفته در مقام
 اجرا برآمد فهمیدند که حقیقت مشروطیت محدود دست
 اندازی و تعدیات هر طبقه از طبقات مردم است که
 مصدر امر باشند بطوریکه دست هر قسم از ظلام کوتاه
 خواهد گردید ، لهذا سر از این راه بر زده و طریق
 استبداد را پیشه کردند لکن منتظر فرصت بودند پس
 عمردیکه در طهران بنی حور بزبهای طلاله را گذاشتند
 جمیع بلاد یکمرتبه ساکت گردیدند ما آن اظهارات کثیره
 در اقدامات محده شان و چند تلگرافاتی در خصوص وعد
 و وعید و تهدید و سب و عنزل کرده بودند مگر
 برادران فیور آذربایجان که الحقی تا حال در انقصود
 محترم از حال وحان دریغ فرمودند ولی محمداقه والله
 ما چنانچه از اول مر همراهی در این امر که محبوب
 و مرغوب ذوی العقول است دشتم اکتون زاندا
 علی ما سبق داریم و هر محو ار همراهی قوی و فعلی
 که از دستمان بر آید خواهیم نمود و امیدواریم که مقتولین
 در این راه با شهداء در راه دین محشور کردند)
 در این موقع گریه در کلوی مبارک گیر کرده
 مجددا صدای ضجه و ناله از طلاب بلند شد چون از
 گریه ساکت شدند باز شروع در ملق فرموده و فرمودند
 اما در خصوص حرکت کردن طعا با بران خداوند عالم
 شاهد است که اگر راه ضرر مسلم سلاهیست مسدود
 باشد هیچ ضی هم بر حرکت ما منصور نشود حرکت
 خواهیم نمود حجة الاسلام آقای حاجی طالق هره

با کمال ضعف و قهقری که دارند خواهند حرکت فرمود چه جای امثال حقیر لکن مطلب روی دیگری هم دارد که از او میترسیم که شاید حرکت ما سبب بلند نمودن پرده آن روی کار شود آنوقت فعلی الاسلام السلام باید گفت حالا چاره این کار تحصیل اتفاق بین روحانیین است و شما آقایان طلاب الله و فقه الله باید طوری کلید که اتفاق حاصل شده آنوقت حرکت سمت ابراهیم بنام مجلس علم شد

و در همان شب بز جماعتی از علماء و طلبه در سرای مبارک آقای اخوند محض ملاحظه اطراف و مشورت در اقسام کار راجع بایران مجتمع شدند مجدداً آقای اخوند ماضی فرمایشات منبر خود را بیان فرموده بالاخره بنا بر این شد که اولاً تا ممکن است تحصیل اتفاق و تالیفاً اگر شد فرستادن بعضی از علماء و طلاب بنا بر این مخصوصه و هیئت معدوده باطراف ابراهیم بنام خصوص حجة الاسلام آقای آقا سید علی آقا سید تبریزی ما هیئت از معتمدین طلاب سمت آذربایجان کیل داشته و بر فرض نتایج اگر محتاج بحرکت افیس محترمه حجاج بشود ایشان هم حرکت کنند و بعد مجلس تالی هم متفرق و فردای آن روز در مجلس درس صبح هم مجدداً طلاب مجتمع و درس را تعطیل و آقای اخوند در پله اول منبر نشسته سه اربعه فرمایشات متبینه خود را مکرر فرموده مجلس درس متفرق و هیئت طلبه از آنجا یکی از قدیم بنا شان در مطالب اقدامات مجده با ما هیئت اجتماعیه است لذا تماماً سمت مسجد مرحوم آقا الله شیخ مرتضی اعلی الله مقامه صکه مجلس درس حجة الاسلام آقا سید کاظم یزدی است رواه شده آقا مجرد شنیدن این خبر درس را تعطیل و در کلج خانه منزوی شده و از مطالب طعنه زده و کناره گرفتند هیئت عامیه از مسجد سمت خانه ایشان رفته در بخواه بروی ایشان محکم و بن جماعت در میان لوجه و بازار معطل بالاخره بزجات ریاد و التماسات و حد چند نفر از مشاهیر علماء عظام و مجتهدین فخام که در واقع هر دوره تالیه از حجاج نجف محسوبند نحوه راه داده و باقی را مانع شدند و این هیئت مخصوصه بعد از کثرت خدمت آقا و بوسیدن دستشان در کمال تقابل و تخضع علوان مطالب را نمودند که عملی از

سوال و جواب را ببلوان (گفته شد) از طرف مصلحین و (فرمودند) از طرف آقا عرضه میدارد (گفته شد) آقا بواسطه اختلاف گله که در بین مسلمین شده مسلمانان مالا و حاناً در معرض تلف و هرضه هدر و اینها ناشی از عدم مراقت شما با مقاصد حضرات حجاج شده خوب است محض رضای خدا و رسول مرحمت فرموده ملتق بر مسلمین و این هیئت گذارده بعد از اتفاق در حفظ بیضه اسلام و حصانت مسلمین از این فرقه طائفه داخله و فرقه کافره خارجه کوشیده خاصه در حال فعلی آذربایجان که از هر کوجه و برزش سیلاب خون جاری و وامیس شان در خطهای اراضه و فرنگیان مانند سید لرزان و جلی از ایشان دستگیر صاگر فرقه باغیه و اطفال و پیرانشان از صدا های توپ و سم و نار محک متصل مظلوماه راه عدم می چسبند فکر محیی فرموده و راه محات یک مشت شعله را فراهم بیاورید (فرمودند) جشمتان کور از اول این مطالب را بعد استبداد (کنانه از اینکه چرا از اول ما من اسالینید و نه تسبیح در این راه مقدم شدید) (گفته شد) آقا جان قرمان شما اولاً حضرات حجاج در هر مورد و حکم شرعی ملاحظه این وان نباید داشته و حسب تکلیف شرعی باید بیان واضح کرده و حکم مرمانند ما می حضرات حجاج بعد از فهمیدن مطلب و سوال از اینها حکم الهی را صکه و خوب حفظ بیضه اسلام و تقابل ظلم باشد مرقوم فرموده و بر حسب عامتار ما محصر این امر دانستند و این محتاج بکوشش و اظهار خصوص عنان عالی نبوده و تالیفاً بر فرض احتیاج خطا ش شده عنان عالی با نگیرید و فضلا که مسلمین در محاطره عطیمه اند نسبت با این گروه مطالب مفید نیست باید چاره در حق مسلمین کرد که تمام دره مرض قتل و هب هسند (فرمودند) از اشخاص متدین کافهذجات عدیده دام که در طهران صدمه بکسی نخورده و خون و دماغ کسی ریخته (گفته شد) اشخاصی که آقا طرف مکاتبه اند ما عرض مستند و مقصودشان برهم ردن اساس عدالت و قومیت مسلمانان و در واقع مخالف با دین و شریعت سید المرسلین و چند نفری مددوند خصوص آن بی دین بی حیا (این نویسنده ملا محمد آملی است) که وجدان و حسن

خود را مکرر شده و خدمتتان عرضه داشته که در
 شهر فقط سه نوبت بنده طرف مجلس خواهان رها
 شده و نهام گریخته اند و امر فیصله پیدا کرده گذشته
 از سه کافحتات متعدده و تلکرافات منتشره از
 مظلومین و کسان دیگر که حاضر رفته بوده اند
 رسیده که این هنگامه قیامت در طهران برپا شده
 (فرمودند) همه دروغ است (گفته شد) اخبار
 طرفین را حکایتار گذارده رجوع ماخبار خارجه و
 تلکرافات روتر وغیره و جراند هریه مسلمان بیروت
 و مصر و امریکا و هند میبایم که وقایع جاسوز طهران
 و تبریز را بجه لسهای حکمران سور بیان کرده و چگونه
 شرف حال این جوان مصروع و محرکین روسی او را
 نموده و چه قسم تعبیر از او بکار و مرشد و زندیق
 نموده اند اینها که در اجبارات خود بیطرف و لایق
 اعتماد اند (آقا بعد از اشاره بدست خود بجمعیست
 حاضره از اطرافها و مرد و حیات خود مفاظه کرده
 و صدای بلند مستهزه فرمودند مردم به بنید اینها چه
 میگویند و چگونه از صراط مستقیم سکناره گرفته و
 میخوانند ترجیح اخبار و اقوال ژاپون و فرنگیها را
 بر متدینین و مومنین مسلمان بدهند میگویند اخبار
 خارجه محل اطیبان و وثوقند و اخبار متدینین دروغ
 و اقوالشان دروغ) و متصل اینکلمات را جاگیری
 در بعضی از ادعای ضیق مکرر میفرمود تا حوصله
 منی از آقایان مصلح به تنگ آمده و همانم خود را بزمن
 رده و طواست پیرامی خود را یاره کند که جوی دیگر
 مانع آمدن - بن اول دفعه بود که آقا اشاره مردم
 کرده و در صدد طهار کشف از عقاید باطنیه حضرات
 مصلحین بطرز معلومه در پیش حضار برآمده و اول
 مرتبه بود که بعضی از آقایان بواسطه این عوازم مفاظات
 و خود فرضی حضرت آقا طاقت شان طاق شده همانم
 بر زمین رند (گفته شد) آقا گذشتها گذشته است
 و قبول داریم که تقصیر از ماها بوده و در این امر
 خطیر بدون مشورت جنابالی اعدام کرده و اعتقادمان
 باینکه در هیچ امر مهمی هیچ مسلمان مقتضای نخواهد
 شد خطا بوده حال دیگر مکرری برای مسلمانان نموده که
 از جنگال ظلم و ستم این جوان مفرور برآمده و
 ایران هم بعد از این از دست بره اجانب مصون باشد

(فرمودند) حضرات ملتفت باشید که چه میگویم
 و دست خود دوباره اشاره بمردم کرده حضار
 ساکت شدند فرمودند سلطان پدر مهربان است و در طای
 اولاد او شما را خدا هیچ طاقی تصور میکند که پدر
 مهربان نسبت ماولادهای خودش اینگونه طامها و
 تعدیات روا ندارد؟ هرگز همچو امری واقع نشده و
 تمام این اخبار از مجعولات است. در این هنگام که
 حرف باین بی مغزی و همراهی باین و اضی از آقا
 نسبت سلطان دیده و شنیده شد دوباره عالم در نظر
 آقایان مصلحین تیره و نارشد یافته شخص باین بزرگی
 با ادعاهای گدازیه اش چگونه دارد صاف صاف حایت
 سلطنت ظلم جابره میباید و بعضی در این وقت از
 سکوت اوقات تلخی عامه ها را زمین زده و گفتند
 آقایان این فرمایشات رطان شاه طهاسی چیست که از
 مثل وجود مبارک صادر میشود ایحرفهای قدیمی باعث
 این شده که سلطنت شش هزار ساله ما در شرف زوال
 و بیضه اسلام در معرض اضمحلال بشود حیف است
 از امثال شما که این مطالب را فرماید و انگشت نهای
 داخله و خارجه شوید

عجیباً که جوان شاربالحجر مفرور هوا پرست
 ملت کش را تعبیر پیدر مهربان مینماید (فرمودند)
 حالا منصور شما چیست فرض ارجاع مشروطیت است
 که من هیچ حاضر در این امر نیستم و نمی فهمم که
 مشروطه چیست و محالست دخالت کم و اشاره بدست
 خود بگروی خود شان نموده و خطی کشید که کار
 تا این درجه نرسد من در این امر حاضر نیستم (یعنی
 تا موقع کشتن من نرسد من مداخله در این امر نمیکنم
 کنایه از اینکه اینکار را با اختیار نخواهم کرد (گفته شد)
 مکرراً شماها و کتباً در عرض این دو سه سال
 فرموده و نوشته اید (که کبرای مشروطیت بسیار
 خوب و همه کس میداند و هر که مکرر شود مکار با
 عقل خودش است ولی صفرای ارا که مجلس فعلی
 بهارستان باشد مطلع از وجود و بیستم لذا ساکنم
 حالا که صفری از بین رفت اجزانش همگی متفرق و
 مستقیم هرگستان و غنی هستند و دوباره اجماع این
 هیئت هم ممکن نیست جنابالی باصاق حضرات حجج
 تلکراف بشاه کنید که مشروطه در ایران لازم و دوباره

انتخاب جدید از روی همان قانون که خودت و بدت امضا کرده از اشخاص صحیح طلم بمقتضای وقت نموده مشغول بکار گردند، تا طهران و آذربایجان همین جهت اطفاء نایره قال و حدالشن بشود و غیر از این راهی برای خاموشی مردم نیست، چه مردم دست ارحه و خود نکشیده و شاه هم دست از خود بسندی و هوا برستی طویش نخواهد کشید، هم جراه خانم ابن امر خدای ما کرده اند، محال سلطنت مستقله شبیه و اهدام اساس شریعت است (فرمودند) من تکلیف در ارجاع مشروطیت

ندارم ، والله اعلم

(گفته شد) آقا جان کبریات مطلب از جمله مسلمات است چرا نمی فهمید، فعلا کافعهما و فتوی شما در دست است که تعریف کبری کرده و در صغری ساکت بوده اید، چرا طفره مبرزید؟ مگر میدانید هر اندازه سکوت و تعویق شما اسباب چندر از خوربزیها و نهب اموال و هتک امراض مردم است

(فرمودند) من سائتم حجج دیگر هم مثل من سائت شوی کار بالاطمینه میکنند ، مشروطه قائده ندارد برای آنکه مفاد مشروطه زیاد بوده شنیدید که در آن زمان بعضی مردمان قرآرا کافه کهنه پوسیده خوانده و حقه بحضرت عباس را مهمل پنداشتند

در این وقت باز یکی از اعظم از دیدن اوقات تانی رخاقت ، اینستاده حماه خود را بزمین زده عرض کرد ، آقا جان این درد را نکجا برم که در این دو سال از شما و احز ، شما مستند این حرفها را خواستیم و نتوانستید انبات کنید ، سید محمد یزدی در طهران رحب استطاق و اقرار خودش در عدلیه و روزنامه محاکات که رسمی بود لوئح کفریه اییه را بدر و دیوار محلات چسبانیده و اسم مشروطه طلبان زده جنبه سالی و بدر مهران نسبت مشروطه طلبان داده و میدیده و همین عنوان حکم بحایت دم مسلمانان میکنند ، این چه شرعی است و چه دینی ؟

بعد مردمان دیگر شخص مصالح را ساکت کرده دوباره از در هجرت و لایه برآمده و اصلاح امر را خواستگار شدند

(فرمودند) بهتر این است که من با سایر حجج دو تلگراف کرده یکی بشاه که عنو عمومی باید و دیگری بملت که مقابله با شاه و مستی برت حرام است

(گفته شد) به - به میخواستید مردم را از دفاع و داشته و شاه و مستبدین را قاهر و غالب ساخته تا بکنند آنچه را که تا بحال نتوانسته اند بکنند ؟ شاه مگر عنو عمومی نکرد ، پس چرا نام ولایات را بناوین مختلفه آتش سوزان نموده و در حبس متصل مسموم مینماید

ولایات و عشایر را امر بکشتن مردم کرده آنی فارغ میباشد ، چاره جز این نیست که اجتماع یا حرکت کنند برای دفع فائده و یا تلگراف کنید که مجلس را مان کسی که میدانید ، منعقد نموده تا هم مردم محقوق خود نائل آمده و هم رفع نزاع و حدل بشود

(فرمودند) اول آن دو تلگراف را بنویسید

از مدتی مجلس را منعقد خواهم نمود گفته شد ، که بی انعقاد مجلس آتش غصه عوامد فرونشست ، بیاید و یک روحی بمسلمان بیاید

(فرمودند) پس باید مجلس کرد ما حجج و عقلاء طلاب مشورت کنیم هر چه نتیجه شد معمول شود همه گفتند بسیار خوب

(گفته شد) کی این مجلس منعقد شود؟ فرمودند

بعد از نیمه شعبان که هشت روز بعد باشد گفته شد ، تأخیر در این امر صحیح نیست ، شرعاً و نه عملاً ، امروز که ۵ شعبان است عصرش را انحصار ساخته و گرد آید

(فرمودند) امروز را نمیتوان من میمیرم

(گفته شد) فردا صبحی

(فرمودند) حال ندارم میمیرم

(گفته شد) آقا جان این فرمایشات را فرمائید

چه فرق است بین امروز و فردا و بعد از نیمه شعبان ،

چرا طفره مبرزید ، و عذرهای غیر موجه میآورید ؟

حق راضی شدید که مجلس کرده سه دهه در آنجا

جمع شوید و تحقیق هم نکرده برخطرد تا افتتاح اجتهادات

بعد شایع شود ، قبول فرموده بعضی فرمایشات

رکیکه نسبت علماء حاضر نموده از مجلس برخاستند

علاء دورش را گرفته مجدداً ارد در صراحت و انتحال

برآمده کرانش زیادی نمودند ، خواست از لایه اطلاق

پایین آمده و اندرون روده یکی از علماء که غالباً صحبت

بایشان میکردند و مکرراً هم ، زمین زده و منش را

گرفته تا حال گریه و لایه عرض کرد ، آقا جان! مان

است! یک تگری برای مسلمانان عرض رضای خدا نکنید

و مخالفت خود را زمبته از برای خون مسلمانان بسارید

آقا دقت بسینه اوزده و اریکه باین نداخند چاره

بعد از این همه توهینات عرضه داشتند

آقا جان من از اول امر تا اکنون مشتبه بودم و

شمارا در این امر مشتبه میدانستم و امروز فهمیدم

آنچه را باید فهمم والله الله عرضی مدارید جز تضییع

حجج دیگر و پیش بردن حرف خودتان و زمینه

ساختن از برای اتلاف قوس و اموال و امراض مردم

بلغ ما بلغ و جز هوا برستی و امراض ارحق در وجود

مبارکتان امری موجود نیست مسلمین دارند تلف میشوند

و بنا بر حال عرض نموده شد، در این باره در بیان و اولیه
این بوده است، شایسته است که با او استیفاء بقول خودتان رفتار
میباشد بفرموده سلام و التحیات و المسلمین

در این حق یک قیاس وجود فرضیاط از جانب
حکومت محلیه آمده برای اخرج این هیئت مخصوصه
از خانه و هموم طلبیه که دم در بخواه بود از کویچه
(معلوم شد که از اول امر سعی از کسان آقا با جی
از اهراب که آقا از جهت مشایخ زاده گان اهراب و
و حرمات خور مستند رفته اند پیش حکومت محلیه
و شکایت کرده که جماعتی از طلبیه آمده اند آقا را نکشند
اطمان است رود عسکرو ضابطه فرستید محض حراست آقا
بعد از اینکه ضابطها وارد اطاق شده و دست آقا
را بوسیدند، علاوه مصطرب شدند که یا الله بن دیگر چه
باری است که در این نماند شاخه پیدا شده و آقا بری
به آمده اند که آقا فرسودند اگر کسی را میجوید
منعرض شوید در خانه من منعرض نشوید بروید بیرون
انجام من خود کنید (همین فرمایش خودشان تلقین
مطلب آنها مینمودند) ولی آنها صریحاً در جواب
گفتند که ما نیامده ایم برای گرفتن کسی و مأمور ما
تسلی هم نیستیم محض این آمده ایم که این اجتماع موجب
خلال آیش نامه نشود

در این وقت طلاب اخلا و خارج از راه و
کریه حاشاً حاضران حال یاس و بریشای ما چشموی
بر اراشک و قدهای پزمرده ما بوسه مراحمت کردند
تا گاه همه دیگر برپا شده که آقا مرحمت فرموده شش
عز از بزرگان را که در حضور شان تکلیف نکردند
حر تدال و خواری و عرصی بدشتند جز تحصیل
تفاق کلی و صلاح امور مسلمین نسبت دفتر حکومت
آمده و مهم بحیث قتل آقا - شدند، و هیئت ارماتورین
عنان در اوسه و برون بدبال آنها حوس و بویار
فد جی ارماتورین ر منصف ساخته که محض دفع اشتباه
رد حکومت فرستاده با اطر فیسای آقا که در محصر
حکومت محض حلب آقایان سه متکلف بودند مشاحره
رد نمودند بالأخره امر بجان منجر شده و مراحمت
رند، و در شب هم دو نفر از بن شش هر خودشان
خدمت آقا رفته که آقا حال این شرح صاحب مرده محم
نزد نکرد، ما خودش را چرا خورد؟ حاضر در صلاح
امر مسلمین شدید شدید! مردمان محترم را چرا
بفنده بداختید؟ مگر حدیث شریفه که محبت آنکه پیش
حبت و صاعون در مطلب حق موجب عذاب الیم
است تا چه رسد با امر دروغ و باطل شامل وجود مبارک
است؟ بن حرکات چه معنی دارد خصوص از مثل
آقا شایسته نیست

(فرمودند) تقصیر بعضی از شاهان این بوده که
در وقت صحبت عن جمله میکرده اند و بعضی دیگر
از سابق نامس بد بوده اند تا آخر فرمایشات ایشان
که این سده نگارنده حیا میکنم که پیش از این فرمایشات
موهنه بوع آقا را عرضه بدارم و عملاً هم بچاره علماء
و طلاب در محاصره اند

حبل المتین

این خادم اسلامیت نظر بسنجیت و حسنیت نوعیه
خیر خواهان بیان چند امر را درین موقع فریضه
ذمه خود میدارم

اولاً - بساحت شریعت مطهره سوگند یاد می
نمایم که این اختلاف و لطاحت جز تضییع نوع و صف
طبقة روحانیین برسدیل هموم هیچ نتیجه ندارد، و از
روی علم و بین میکنم حق عمرکز خود حای خواهد گرفت
امرور آفتاب مدن بالا گرفته، شرق و غرب عالم
ر احاطه کرده، بیرون از قسور قدرت است که
لطاحت و محالمت یکدیگر را معدودی انگشت شمار ولو
هر قدر قوی باشند شون قطعه برالت را ماسد لکه
ظلمانی در ظلمت ظلم و جهالت نگاه داشت، شاید
اهالی ابراهم این قدرها درای مدرک و مشر شده
باشد که ازین و بعد مخالفت عبیه ترك منافع حیة
مشروع خویش را نگویید، فرص میکنیم که از روی
حقیقت با آهسته توضیحات سایر حجج اسلامیه بکهرد
معی مشروطیت را به فهمید چهل کرور عوس ایران
واکه میتوان قربان مادمی بک هر نمود اگر میخواهید
مصدر کار باشید حر قدم در فهمیدن بفرمائید
منکر حسابات که هر خوف شد ترجیح استبداد
ر مشروطیت از ترجیح ظلمت ر بود کتریت

چین بود که در محالتهای ولیه جد هرار رساله
از دست مقلدین بدور افتاد، و سارشی صاحب
رساله بارگشت، و قدمت رساله از سه رویه به
آه در محبتی تزل نمود، خدایم شاهد است که مرا
شرم می آید آنچه را جراند خارجه درین گوه مخالفتها
از روحانیین اسلام می نویسند ترجمه بنام

بالعجب امرور مظالم کافراه و خوریزیم ی غدارانه
این جوان مصروع و دست نشاندگی اوار روس اردرجه
توانر و حد شیاع هم گذشته ماسد آفتاب در وسط السه
حق در زوایای شرق و غرب عالم برکور و پشامین است
در انکارش خدای باطواست، علنا شایبه عرض می رود،
دواعی مبری اختلاف را بجزا هم شرح دهم که مزید
برنوهین نوع شود ولی همین قدر از ارباب اصاف سؤال میکنم
که معارضه بک حجت با حجج ثلاثه چه معنی دارد؟
ثانیاً - بنده از روی علم الیقین عرض می نمایم که این

مخالفتها را جز اصیغ نوع و ریخته شدن خون جوی مسلمانان نگناه هیچ نمری مغرب دست. علم مخالفت کند ایران مشروطه خطا اهد شد. يك هر که سهل است اگر جمیع رؤسای مذهب اسلام متفق الكلمه و مخالفت مشروطیت اقدام فرمایند باز هم ایران مشروطه خواهد شد (چنانچه جمیع کشیشان عیسویه بدوا با مشروطیت سلطنتهای نصرانیه مخالفت کرده هیچ کاری از پیش نه بردند) و اگر صد بیکلای و نامیب او حامی ستداد این جوان ریدق نبود باز هم ایران مشروطه خطا اهد شد (چنانچه جمیع سلاطین مقتدره عالم بدوا مخالف مشروطیت بوده طاقت دماغشان محاک مالیده گردید) نهایت اشکونه اقدام مخالفان در سه رتبه که بجه دهم این خواهد بود که ملت و دولت ایران با اداره صفت شود که بین دول معجزان تقسیم کردند. در آن صورت باز ایران مشروطه خواهد بود. و حال آنکه می بزم عقرب ملت بر دولت ظالم آمده مشروطیت و حق مشروع خویش را کاملاً حاصل خواهد کرد. نتیجه که از اختلاف گله روحانیین حاصل شود همانا سستی عقائد عامه و وهن عموم روحانیین است و پس، گناه این امر بر که وارد خواهد بود سده نیدانم نالفاً - دولت علیه عنایه که زرگزین سلطنتهای اسلامی دنیا و دوائم اسلامیت را باید اساس این سلطنت اسلامی بود دست چه طور در چند ساعت بمشروطیت سلطنت حق در داد ؟

آیا اگر مشروطیت مخالف با قوانین اسلام بود و یا حلال بدیانت حقه اسلامیه میسر باید متصور بود تمام مسلمانان فوراً سر تسلیم نزد قوانین مشروطیت خم باید ؟ آیا تصور می شود اگر قوانین مشروطیت مخالف با دیانت حقه اسلام بود اهل بصیرت سلطان که امروز مدعی خلافت کفرای اسلامی است با این آسانی تسلیم شود؟ چه در مایه خطبات و مورت شرمساری شیعیان رد سایر مسلمانان است که در مشروطیت عنای ما آهوه علمای حلیل سنت و جماعت یکمهم هم از مخالفت برده و يك نفس اعتراض نفسانی مخرج نداد و خویشش را مخالف مشروطیت که حساً مصادت و معادلت با رقی مسلمانان است حلوه گر نساظت و درین تغییر عظیم طوفان از دماغ احدی ساری و جاری نشد. ولی در مشروطیت ایران از مخالفت روحانیان ار ابتدا تا کنون بالغ بر بجاه هزار عوس معتول و محروح شده چندین کرور مسلمین بی خیابان شدند دویت میلیون لیرا خساره طلی بر ملت وارد آمد. اموسها مهتوك شدند. مرضها بر باد رفت و خانه خدا خراب شد. نوهیتات بوجه نوع روحانیین وارد آمد. چرا که شیخ فضل الله و شیخ

محمد آملی داماد آقا در مشروطیت بر دست مطلقه رسیدند و سه هزار و هصد ایر اسم حقه هما - لصور رسیده است (آه اگر ایس امرور بود فردن) سار خوب اریسها ی مشر و ی مدرک حالت عن این اختلاف را شهاده دانست مطالعه داشتند. سایر اسلاما و شیعیانیکه در خارج هستند چه خواهند گفت ؟ ملت احنیه در اصول عهد شیعه و رؤسای روحانیینان چه تصور خواهند کرد (خدایا زین معا برده بردار) ما لصلح قوانین مشروطیت که تله، دن تاره بر مات می کنند که مخالف آمده باشد. در این مشروطیت فقط رای اصلاحات مایکی و محدود حدود است. آهم که بر حسب قانون اساسی اول شرط حریت موافق با احکام شرعه قرار یادت

انوس که درین مخالفت ره حای پیشه بر ریشه خود و نوع علما رده می شود. و عهد مات را دست محود و نوع علما سنت می باید. و مصادر این مخالفت تا چه اندازه بر اسلام وارد است ما از تجدیدش طحزیم (لنت حق ر لجاج ناد که گشته)

(شرع و شریعت ازین لجاج بریشان)

راصاً - باید دانست که تاره مشروطیت عنای وضع گرفته و حوامان قبور نادانش ترك و احمس سلايك که اساس مشروطیت را محکم نموده تنها مشروطیت عنای را مدنظر ندارد. این هیئت در سایه مشروطیت سامی اند که در جامعه اسلامیت يك گونه اتحادی پیدا باید. اینها مروج مشروطیت در جمیع مسلمانان عالم خاصه در ایرانند. پس از ایکه مطلع شوند که در محاکت آنها، در حاک آنها، در آستین آنها، شخص ما اشخاصی صاحب هوذ خاصه ار اهل علم ر حلاف مشروطیت حرکاتی دارند لاد یا اورا گرفتار می کنند. و اخراج می نمایند. مسلم است چند هر ضرب الوطن بی دست و پا در مقابل اقتدار آنها هیچ توانند بود

چنانچه و حال بزرگ عنای و ورری حلیل المدر را در قایت طعت گروه د عنای سحتی در عل و ربحر بداخته اند. چرا جبین اردند؟ و سطة اشک مخالف با مشروطیت بودند. مسلمانان برکان عور ما دیش میداند که يك هر در لباس روحانیت ما چه مداره میتواند مخالف با حالات عامه شود و هرگز راضی نخواهد شد که يك ملای شیعه د ملکشان ریدق استند بر سقی بلند نماید. و از کردار خود سرمشق عیالهای سنت و جماعت دهد. و يك حصه عمده رعایای عنای که شیعه میدانند محل یامدنب در امر مشروطیت سارد گرفتاری و حبس و رنجبر شریب مکه مگر حر برای مخالفت با مشروطیت بود ؟

آیا استبداد پرستان محب می‌تواند مگوینده قوت و قدرت و رسوخ و نفوذشان از شریف مکه آنهم در حجاز پیش است ؟
 آیا می‌تواند تصور کند که رسوخ و نفوذشان در عالم اسلامت از و ریادر است ؟

آقا کر این صدا نماند شود بر فرض هم که در میانه خارجه را محس نکنند آیا تصور می‌شود که آقا در خاک خود نگذارند توفیق کنند ؟ در آن صورت کدام ذات و حراری بری بوع عالمی شیعیه و بی مالار خواهد بود کر این حکم در راه حق بر آقا می‌شود ج لب ملوم بودد ، ولی امور استبداد را جیب عوالم - اسلامیت بلکه کلبه راب شرایع مدموم میدانند ، و در نزد تمام ارباب عمول ساحه مسلم - که گر دوستند دانشمندان متحج مات در صلاح امور ملک مملکت ترک اشسته و مشوره نمایند بهتر است ر اسک نک حوان سی ساله مصروع بی سلم بی تجربه ولو هر قدر سهام عبیده و اخلاص بجناب آقا هر ماید و هر قدر برمال الا حاره همارات سلطنتی بیفزاید امور کار ازین حرفها گذشته و حرکات کافرانه این حوان مصروع ماداره آفتابی شده که در زوایای افریقا هم کسی نکار نمیتواند کرد ، اگر فرضاً آقا هم دیده یا نخواهد همند دخل بموضوع ندارد ، و بیدیک صحنه ر مسلمانان در رول ماده ملک مملکت اسلامی مصدع گردد ، که آقا فهمیده و یا شیخ محمد آملی در ماده سو پینه محس حالی کرده و ار دماغ در رکورد ، تا اینکه این سخن در مقام مدح است و این عبیده در علی باه باطن ، است سو گوید ابد آ پیشرفت ش و سر تصدیح محس و نوع قائده بر آن منقبت است ،

... .. کات محالاه مشروطیت که در بونه حال مسور ماده ، اولاً حوان دانش ترک در هر نقطه حاضر و موجود ر منهای مدفه ، مگر لب حرکات مخالفین مسرو صحت هر قوم و هر قه از خودی و بیگانه در مملکت طرقت علاوه ر بی ایرایشان غیور که در خارجه ران سی مشروطیت خدیش سر از یا شاخه تمام خرد در بر و خسارات وارده ر ملک و ملت خود را از تیج محلت تصور می‌نماید ، هر قسم باشد اس اس را مراعصکزی که لازم است خود صد شتابید ، رینها گذشته اینک مانع ر هزار هر بی شمدی مشروطیت که کشته شدگان این مخالفت اند و چه نا علم و اطلاع و وائف ، آف عصر مداشتند

و شب و روز با انهن سلابیک و سایر انجمنهای مشروطه طواه جوانان غیور ترک معاصر هستند آیا ازین واقعات و اختلافات که سر تا پا مضررتش باید تا حساست جوانان ترک را مطاع نخواهند ساخت که در خاک شایک همچو طای رای پیشرفت مشروطیت با موجود است ؟ برای اطلاع آقایان استبداد پرست مناسب است رانی که سازگی ز انحن سلابیک خارج شده عرض نمایم

(مخالفین مشروطیت را اهم از رعایای خارجه و داخله در خاک دولت عالیه آراد باید گذارد ، هرگاه از رعایای خارجه اند تا تجدید وقت قابل و نگرانی نامه باه الخراج شود ، و اگر رعایای داخله بد بدون قبول هیچ عذر باید گرفتار و در حبس حکومت عالیه باشد ، آزمایشک بحاس بیعتان حکم طرد و تبعید و عمارات شان را صادر نماید) و ما علینا الا الا لایح (اهلک من ملک عن یدة و بحبی من حی عن ینة) (معاد تلکرافاتیکه ناخبارات خارجه رسیدہ)

شاه بمرض و ما یا التهاب ادماء و معدة مبتلا و این مرض سحت و مهلك است ، تا اینکه در جنبین وقتی انتشار این گروه اخبار را خلی جلوگیری می‌نمایند شیوع این خبر بالأصاله حلی ر محبت نیست

نایب السلطنه کامران مرزا هموی شاه وجد و بلعبد که بزرگترین مستبدین ر پشت و پناه شاه بود متاً ترک زندگانی گفته بعضی ر حاسا مسوم شد ، اشبه اداخته است ،

در ماده اما بی ورر حکم مهر صادر و مشیرالسلطنه کار با و مشت کاری رسیده درین بین کرس اس آف طرفین از طرف حالت شده آ افه است حاکم رش مشروطیت و قنور رد وجود شده می مکتوب و مجروح گشته و گیلانات در متهاد سلاب است کردا اپری دکا کوش و در ش از مدعت حکومت بچیده دوری اعداد معاصر شون می الاز دوات خواسته بین قشون و آنها جنگ شده جوی مذول و مجروح گردیده مشروطیت ر غایب بوده است طرق آمد و شد از دهانه ساحل فارس گروه تا برود هر جا مسدود است و جز کاغذات پست آهم مشکل آمد و شد ندارد

حجت اسلام آقای آقا سید عبدالحسین عهد در لار و بیسجات حکم تکفیر شاه را اشاعت داده امر به جمع تفنگچی عموده مالیاترا جلو گرفته که باید در راه جهاد با مستبدین صرف شود ، در صدد تشکیل اردو و حرکت بشیراز و طهران است

جبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Hauz Khas Office
4, Medical College St
CALCUTTA.

وکلا دمه دار ابوجبات مشترکین اند

(بدل اوتو اخبار پیشگی گرفته میشود)

قیمت اشتراك

سالانه - شش ماهه

هند و برمه

۱۲ روپه ۷ روپه

ایران و افغانستان

۲۰ قران - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات - ۶ منات

نامه مقدسه

المتین

سنة ۱۳۱۱

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)

(اداره درج میشود)

کلیه امور اداره با

مدیرکل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

هر دو شنبه

۱۶ رمضان ۱۳۲۶ هجری

مصادف با

۱۲ اکتوبر ۱۹۰۸ میلادی

در این حریده از هرگروه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود

(مقالات عام المنعمه منقول و در انتشارش اداره آزادست)

انقلابات بالکان

یا تبدیل خریطه اروپا

(و نفع و ضرر آن بایران)

وضع موجوده شبه جزیره بالکان و شاخه املیت امارت‌های مخلوطه و اقوام مختلفه درین قرن اخیره با آن همه تبدیلات و تغییراتیکه هر يك از آن اطارات بر حسب ترقیات عصر حاضر عموماً اند تمام مبنی بر مواد عهدنامه (برلین) بود ، که در ۱۳ ژولیه ۱۸۷۸ مسیحی بعد از جنگ روس و عثمانی بسته آمد ، بی دول متدره در یک خاصه انگلیس با تمام قوای خود در برقرار داشتن مواد عهد نامه برلین نوحه می نمود

بعد از آئیکه بعضی از امارت‌های جزیره های بالکان به تأییدات دیپلماتیک سال وادی قبل يك گونه معاهده ساحلی با یکدیگر بستند و در باطن پیش بندی ز حرکات آئیه آلمان شد ابواب ترقیات محری ازین راه تا يك اندازه در آینده بروی آلمان بسته آمد ، و وضع سیاست بالکان برای آئیه مستعد تغییرات کلی شد و سیاستیون از همان وقت چنین روزی را میدیدند ، الا اینکه دوماً در تعجیل و سرعت پیش آمد انقلابات موجوده تأیید کلی نمود .

اول امپراتور تعمیر راه آهنی که دولت عثمانی دولت آستریا دره مقدونیا داد ، که معاهده سیاستیون با اشارات و تأییدات سری آلمان دولت آستریا موهق بر این امپراتور شد ، و باطل السحر اتحاد ساحلی اطارت‌های بالکان ساخته آمد دوم مشروطیت عثمانی سبب عمده سرعت انقلاب موجوده گردید ، چه معلوم بود بعد از مشروطیت عثمانی چه مسلك الحقیقار باید ؟ و نچه وضع پیش آید ؟ آیا پای بند به بلاتیک اولیه یعنی اتحاد با آلمان ماند ؟ و یا تغییر در مسلك سیاسی خود دهد ؟ این بود که سریه انقلابیکه به تدریج آمد پیش آید یکدهه پیش آوردند کسانی که واقف عواقب عصر و حال و ترقیات معجز های مشروطیت میباشد معنی الکلمه اند که مشروطیت عثمانی افق سیاست آسیا را منور ساخت ، و خیالات جمیع سیاستیون اروپا را منقلب نمود ، بن بود که اطارت‌های بالکان و محرکن سری ایشان در انعقاد مجلس شورای ملی عثمانی و وضع مشروطیت آن انقلاب امروره را بجهاتی چند مناسب دیدند

اول آنکه عثمانیان را تا تواند در صد عالیه و منافع مشروطیت باز دارند و حامی نوی یا ضعیف در جلو آن به نراشند ، (چنانچه مویع عهده خارجی و داخلی در پیشرفت مشروطیت ایران سبیده و

مورد دارد میباشند)

دوم - آنچه تا وقتی مجلس مبعوثان عثمانی منعقد شده رتی و فنی امور با سلطان و قبولادن سعی شریک سلطان آسان تر می باید تا بکولای ملی سوم - امروز که دولت عثمانی درجاده مشروطیت قدم نهاده تا درجه سر رشته امور را با اصول اولیه از دست داده ، و کاملاً مخنک ، شروطیت هم سوار شده ، مستعد دفاع شدن و جنگیدن او دشوار است این بود که ارباب سیاست که همواره انتهای فرست می کشیدند همین وقت را مناسب دیده بکفنه به بجان اطرفهای بالکان پرداخته سبب این انقلابات حالیه گردیدند اعظم محرکین اطرفهای بالکان آنچه می بینست دولت روس میباشد بقاصد چند

(۱) آنکه برای آسایش خویش در سرحدات آسیای صغیر وقفاز گرفتاری عثمانی را بر قسم غنیمت می شمارد (۲) اگر عثمانی با امارت بلغار بجنک در آید اهم ز قبح و شکست تا سالهای دراز متوجه روس نتواند شد ، و دولت روس کاملاً بخود آرائی خواهد پرداخت (۳) تمام توجه روس برای برهم زدن عهدنامه (برلن) است که در بوفاز داردنلز آزاد شده بتواند جهازات جنگی خود را آزادانه از دریای سیاه دریاجه (مارمرا) وارد باید ، اسداد بوفاز داردنلز خیالات سیاسی روس را خلیل عقب انداخته ، جناحی یکی از سیاسیون روس من جهت اسباب شکست اقصای شرقی را اسداد بوفاز داردنلز بر روی جهازات جنگی روس می نویسد ، و روس از سالهای دراز در سد برهم زدن عهدنامه (برلن) عرض همین یک ماده بوده و انگلیسها مانع بزرگ وی بود ، گویا در معاهده جدید روس و انگلیس این مسئله هم تا درجه فصل شد یعنی دولت انگلیس هم در تغییر این فصل از معاهده (برلن) حاضر باشد با این همه سخت انگلیس اظهار عدم رضایت از برهم خوردن عهدنامه (برلن) میباید ، و اگر هم عرض روس در تغییر این یک ماده در عدم مبنی بر مخالفت عثمانی نیست ، بلکه برای جلوگیری از خیالات آتیه آلمان میباشد ، چه از قراین سیاسیة جهان ثابت می شود که انگلیس عثمانی را هم تا اندازه همراه نموده اند که نهایتاً خلیل برآشته نشده و

خندان حرارت و جوش ابراز ندادند و برای دول سازه که عهدنامه (برلن) را امضا نموده و گذار کرده اند ، این است که روسها تحریک می نمایند یک مجلس کافرین از دولتیکه امضای معاهده (برلن) را نموده که با هم رفع انقلابات بالکان ، منعقد گردد ، فراسه نیز تأیید کرده انگلیسها هم طاقبت رضا خواهند داد ، عثمانی هم که گویا آنها و گذار کرده فقط رضایت آلمان و آستریا و ایتالی لازم است

فعلاً انگلیسها درین مناشه خود را مؤید عثمانی حلوه میدهند ، و از بعد مشروطیت روسی خاطر عثمانیسان هم بجانب انگلیس معطوف گردیده ، و اگر بین انگلیس و عثمانی اتحاد کامل قائم شد نشه خیالات آلمان بکفنه برهم خواهد خورد ، مناسب است درین مقام چند بندی از معاهده (برلن) که راجع با انقلابات موجوده بالکان است درج نمایم تا حقیقت امر و سررشته افشاش حالیه از روی صحت بدست آید

صورت بعضی از مواد معاهده برلن

ماده اول

بلغارستان در زیر حقوق حکمرانی سلطنت سنیة عثمانیه باداره مختاره مانند یک امارت طالبات بدی تشکیل شده است ، حکومت بلغارستان یک حکومت بیسویه بوده عساکر ملیه نیز خواهد داشت (ماده دوم)

امارت بلغارستان عبارت از اراضی منضمه ذیل خواهد بود

(ماده سوم)

پرنس یعنی حکمران بلغارستان از جانب اهالی بطور آزادی منتخب شده عواقبت دولتها از جانب باجمالی تصدیق خواهد شد از احتزای خیال کرده عثمانی دولتهای اروپا که الآن اجرای حکمرانی میکنند کسی حکمران بلغارستان نتواند شد ، چون مقام حکمران خالی بشود امر انتخاب پرنس دیگر بینه مانند شروط و عملیات سابقه به عمل آورده خواهد شد

(ماده چهارم)

پنس از آنکه حکمران بلغارستان معین بشود معتبرین بلغارستان در شهر (طرنوی) مجلسی منعقد میگردد نظامنامه اساسی امارت بلغارستان را ترتیب خواهند داد

در جائیکه میان بافاری و ترک و رومایان و روم و سایر جنسها بوده باشد چه در امر اعجاب و چه در تنظیم نظامنامه اساسی حقوق و منافع اهالی مرقومه نیز مرعی شده داخل حساب خواهد بود

(ماده پنجم)

فقرات آنی الذکر اساس حقوق همومیه بافارستان خواهد بود برای بهره مندی از حقوق مدیه و سیاسیه فرق مذهب و آئین هیچکس را در هر حلی که باشد وسیله استثنا و عدم قابلیت نشده این چیزها مانع از دخول در خدمات همومیه و رسیدن بحساب و اجرای صنایع نتواند شد

آئین خارجی و حریب مداهم محامه را که در بلغارستان موجود هستند و همچنین تبعه خارجه را ازین دو حجه امنیت داده شده است تشکیلات مدیه و مناسبات با رؤسای روحیه را بوجهی رعایت نتواند شد

(ماده ششم)

تا وقت تمام شدن نظامنامه اساسی بافارستان اداره آنجا بواسطه یک کبسیون از جانب دولت روس موقتا اجرا خواهد شد یک عثمانی و قوساهاقی که از طرف امضا کنندگان این عهد نامه مخصوصا تعیین و توکیل خواهند شد مأمور برسدگی و نقشش اداره موقته کبسیون روس بوده معاوت او را خواهد کرد ، در صورتیکه در میان قوسلهای وکیل شده اختلافی حادث شود اکثریت آراء قرار داده خواهد شد و هرگاه در میان اکثریت و کبسیون روس یا کبسیون عثمانی اختلاف پیدا شود ایاچیهای دوائهای امضا کننده در اسلامبول مجلس مذاکره منعقد کرده قرار خواهند داد

(ماده هفتم)

اداره موقتی بلغارستان ریاده از مدت به ماه از تاریخ تصدیق و مبادله همین عهدنامه امتداد نخواهد یافت پس از آنکه پرس اعجاب و درحالی خود نشاده شد تشکیلات و قرار داد های تازه مرعی الاجرا شده اطول مختاری اداره را طاک خواهد بود

(ماده هشتم)

احکام معاملات و مقاولانیکه در میان باغالی و دوائهای خارجه در خصوص تجارت و تردد کشتیا منعقد شده که الآن معمول و معتبر هستند در اطارت

بافارستان نیز ککالت جاری و برقرار خواهد بود و احکام آن هر دولتی که تعاق دارد ما امکه در حارت آن دولت موافقت نشده است بوجهی تا بر نخواهد بدروت مناعهاتی را که در داخله بافارستان محامی دیگر حق و نقل شود بوجهی رسم ترانسیت یعنی حق مرور از آنها مطالبه و دریافت نخواهد شد

در باره تبعه و تجارت با همه دولتها در بافارستان قاعده مساوت کامله رفتار خواهد شد ، حقوق و امتیازات تبعه خارجه و کاتبولاسیون دولتها (می حقوق محاکمات و حقوق حمایت آنها که بموجب معاهدت و معاملات جاریه دارند) مادامیکه از جانب دوائهای که علاوه دارند موافقت کرده نشود تبدیل و حیر داده نخواهد شد

(ماده نهم)

اطارت بافارستان سال سال مالیای بدوات میبوه خود خواهد داد این مالیات بیاضکی که در مالی از جانب باغالی معین خواهد شد باید داده شود و بمداران در آخر سال اول اجرای تشکیلات ارض معرفت دوائهای امضا کننده این عهد نامه معین خواهد شد و این مالیات از روی واردات متوسط اطارت در داده خواهد شد چون بافارستان قسمی در دجون عمومی عثمانیه را در عهد دارد در آن اما که دواشم معسر مالیات را معین میکنند بیک قسمت است عادلانه حصه دیونی را که قسمت بلغارستان خواهد بود معسر اعز خواهند دید

(ماده دهم)

از تاریخ مبادله همین عهدنامه حوری و و نی که دولت عثمانیه در مقابل کباب راه آهن روسحق و واره داشت باطارت بلغارستان راسع می باشد محاسبات گذشته منحصرافا اتفاق باغالی و باغالی باغالی و کباب محول کرده شده است از عهدتیکه اهالی با دولت آستریا و باغارستان و با خود کباب روس آهن روم ایلی بسته است آنچه را از امت تمام کردن خطوط راه آهن یا راه انداختن شمشدور حصه باغارستان بوده باشد اطارت بلغارستان بر عهد خود خواهد گرفت ، برای انجام قرار داد این مطالب پس از انعقاد عهد نامه هرگونه مقاوله که لازم باشد بلا تأخیر در میان

دولت آستریا - اتریش و باهالی و مارتیای سرراستان و امارستان تربت و تنظیم خواهد یافت
(ماده یازدهم)

دیگر عساکر عثمانیه در امارستان اقامت نخواهد کرد ، همه های قدیم همه بخرج امارت در مدت یکسال و اگر ممکن باشد زود تر خراب خواهد شد حکومت عثمانیه در خصوص خراب کردن این قلعه ها تدابیر لازمه نگاربرده است حکامی هم از او نمیتواند ساخت آلات جنگ و غیر آنها را که مال دولت علیه عثمانی بوده و بموجب احکام متارکه (۳۱) زانویه سال (۱۸۷۸) میلادی (۹ محرم ۱۲۹۵) در قلعه های طوه یا شهرهای شنه و واره مانده است باهالی میتواند حمل و نقل نماید یا اینکه بفروشد

(ماده دوازدهم)

در صورتیکه مسالمانت یا دیگر صاحبان املاک قائمگاه شخصی خودشانرا در بیرون امارت با امارستان فرار بدهند املاک خودشانرا در با امارستان نگاهداری نماند کرد ، می خواهند با جاره میدهند و یا آنکه بواسطه وکیل خود اداره نمایند ، یک کیسیون عثمانی و باهالی امور خواهند بود که در عرض دو سال املاک امیریه و وقفیه را بفروشد و مطالبی را که متعلق با اصول اداره و استعمال آن است و کارهای را که متعلق بمنافع آحاد ماس که در این چیزها علاقه دارند صورت و انجام بدهند اهالی با امارستان که در دیگر ملک عثمانیه سیاحت یا اقامت کنند تابع حکومت و اطاعت عثمانیه خواهند بود
(ماده بیست و چهارم)

هرگاه در خصوص فتره تصحیح حدود یونانستان در میان باهالی و دولت یونان اختلاف و اتفاق حاصل شود موافق احکام ضبط نامه مجلس سیزدهم کونکرة دولتهای آلمان و آستریا و مجارستان و فرانسه و ایتالیا و روس برای آسان کردن مذاکرات حق توسط را منعصر بخودشان می سازند

(ماده بیست و پنجم)

ایالت های بوسنه و هریک از جانب دولت آستریا و مجارستان اداره خواهند شد و دولت مشارالیه با این دو ایالت لشکر خواهد فرستاد اداره سنجاق (یکی بازار) را که از میان صربستان و قره طلیغ از جبهه جنوب

شرق تا با طرف مترو و نجیا منتهی میشود دولت آستریا حق است بسمه خود بگیرد لهذا این سنجاق در زیر اداره دولت عثمانیه خواهد ماند ولی مقتضای وضع حاضر سیاسی و محافظات طرق و معابر در این سنجاق دولت آستریا حق داشتن قراول و ساحقن مواردات عسکریه و نجاریه خواهد داشت ، در خصوص مقررات ایطال دولت عثمانیه و دولت آستریا و مجارستان حق مذاکره و اتفاق را باقی میدارند

(ماده سی و چهارم)

دولتهای معظم متعاهد استقلال صربستانرا تصدیق و بشروط مفصله در فصل آتی مربوط کردند
(ماده سی و پنجم)

رای سه مندی از حقه ق مدنی و سیاسیة اختلاف و فرقی مذهب و آیین هیچکس را و در هر جایکه بوده باشد وسیله استثناء و عدم قابلیت شده این چیزها مانع از دخول در خدمات عمومی و ماموریتها و مناصب و اجرای مناصب نخواهد بود
(ماده سی و ششم)

امارت صربستان اراضی معینه را که در داخل حدود مفصله ذیل است مالک خواهد بود
(ماده چهل و سوم)

دولتهای بزرگ متعاهد استقلال رومایا را بشروط مندرجه در د و ماده آن الذکر تصدیق میکنند برای اینکه هرکس در رومایا از حقوق مدنی و سیاسیة بهره مند شوند مقررات صکه فرقی مذهب و آیین هیچکس را و در هر جا که باشد وسیله استثناء و عدم لیاقت و خدمات عمومی و ماموریت و منصب و اجرای صنعت نه بوده مانع از قبول آنها نخواهند بود

(ماده چهل و چهارم)

آیین خارجی مذاهب و آزادی مذهب را برای اهالی مذاهب مختلفه مردم خود رومایا و نجه خارجه امنیت داده میشود تشکیلات مذهبیة ملل مختلفه و مناسبات روحانیه را بوجهی مساعدت نتواند شد در رومایا در حق نجه همه دولتهای خواه نجار و غیر آنها باشند بلا استثناء بطور مساوات کامل رفتار خواهد شد

(ماده پنجم)

مادامیکه در میان دولت عثمانیه در رومانیای خصوص
تعیین امتیازات قونسلها معاهده شده است نیمه رومانی
که در حاکم عثمانیه سیاحت و اقامت میکنند و نیمه
عثمانیه که در رومانیای سیاحت و اقامت داشته باشند از
حقوقیکه نیمه اروپا را داده شده است بهره مند
خواهند بود

(ماده ششم و یکم)

حکومت رومانیای در جاهائیکه رومانیای واگذار شده
است حقوق و وظایف بابالی را که از جهت انشآت
عمومی و اقدامات باعمال نافه داده در عهد خود
خواهد داشت

(ماده پنجم و دوم)

برای اینکه بر امنیت آزادی تردد کشتیها در طوبه
که از منافع اروپا بودن آن تصدیق شده است افزوده
شود دولت منضمه متعاهده قرار دادند بر اینکه قلمها
و استعمکاتیکه از نیور نیوتامه صهای هر طوبه است
هم خراب شده بعد از این نیز قلمه و استعمک تازه
ساخته شود کشتیهای جنگی در هر طوبه در پائین تر
از نیور قیوها تردد نخواهد کرد ولی کشتیهای کوچک
که برای اضیاط هر و کرکها لازم است از این حکم
مستثنا خواهد بود و کشتیهای قزول دولتها که در
مصبهای طوبه میباشند تنها تا قلاس تواند رفت

(ماده شصت و دوم)

بابالی نیت خود را در خصوص زیاد وسعت دادن
آزادی مذهب و وقایع این آزادی را بیان کرده
دولت متعاهده این بیان اختیاری را سطر اعتبار دیدند
لکن هیچ قسمی از حاکم عثمانیه برای استعمال حقوق
مدنی و سیاسی و خدمات عمومی و مأموریت و
مناصب و اجرای صنعتها فرق مذهب هیچکس را
وسیه استثناء و عدم قابلیت نخواهد شد بدون استثناء
هرکسی در حضور محکمه ها اجرای شهادت تواند کرد
از جهت آزادی همه آنها و اجراءات خارجی
آنها همگنان را امنیت داده شده است بابر این
تسهیلات روحانیه ملل مختلفه و مناسبات با رؤسای
روحانیه آنها هیچ مانعی نخواهد بود راهبان و زوار و
کلیساها هرمانی که در ممالک اروپائی یا آسیائی عثمانیه

سیاحت نمایند از حقوق و فوائد و امتیازات مذکور
بهره مند خواهند بود

حق حمایت رسیده قونسلها و مأمورین دول اروپا
درباره اشخاص مذکوره و برای مؤسسات مذهبی و
اطاقی خبریه تصدیق کرده شده است ، حقوق موجوده
فرامه بطور مخصوص تصدیق شده وضع حاضریکه در
مواقع مقدسه یعنی در قدس شریف هست بوجهی اخلال
نخواهد شد ، راهبان (اینوروز) از هر مملکتی باشد
املاک و امتیازات سابقه آنها برقرار و بدون استثناء
حقوق و امتیازات مطهر مساوات خواهد بود

(ماده شصت و سوم)

احکام عهد نامه پاریس که در ۲۶ مارچ ۱۸۵۶
و عهد نامه لندن که در ۱۳ مارچ ۱۸۷۹ منعقد شده
است بجز آنچه بموجب مود و شروط این عهد نامه
فسخ و تغییر شده است کما کان باقی و برقرار میباشد

از مواد مداوره معاهده بر حدود مارشهای
بالکان معین شده ، اختیارات عثمانی و آستریایم در آن
امارات تجدید یافته است ، چون امارت بلغار و سرویا و
رومانیا و مایگرو درین قرن اخیر در ضمه طبت و
اصول اداره بوده باید رگنجایش مملکتی در رفی ترقی
فتشوی کرده و امروز این اماراترا لشکری ابد گمت
و بقدری بر مصارف اداره جنگی خود افزوده و به نزدیک
لشکری طویس برداخته که در پوست خود می کشند ،
و قوای لشکری هر یک از این سلطنت بزرگ آیین پیش
میباشد این است که اشارات بتسکله معنی ردول مریک
حرقاتی شده اند که معاهده برلین را شک ، عهدنامه آره
بندید ، شاید در عهدنامه جدید گشایش و ترقی برای
آنان حاصل آید ، در اینجا مناسب است که قوی جنگی معنی
از امارت های بالکان را با قوای حری عثمانی مورد مایم

▶ بلغارستان ◀

این امارت کوچک که فقط دارای چهار مایور
عوس و (۲۸۲۸۰) مربع مبله انگلیسی است و بین ار
ایالت های عثمانی است در سایه حسن اداره و مشروطیت
در کمتر از سی سال قدرتی تشکیل داده که در برابر
دولت چشمه عثمانی آفاق بخود پاشی ها است
امارت بلغار در حال حاضر و امنیت ندارد

و هشت هزار قشون است، و يك مایه و سی و هفت هزار نفر است. در اداره جنگی خود صرف میکند درجهن جنگ لشکر مشق آرموده عرب با اسلحه ممتاز دوست و ده هزار پیاده و هفت هزار سواره و یاصد مراده توب میتواند حاضر نماید. علاوه بر این نیز شصت هزار قشون از درجه دوم جمع آوری میتواند کرد، و همین قدرها هم از درجه سوم، جمله قشونیکه امارت «سار» در دفتر جنگی دارد بالغ می شود سیصد و هشتاد هزار من جمیع الجہات و برای مارتی مدین مختصری با چهار میلیون نفوس درجه این استعداد حسن اداره نموده است

سرویا

این امارت که از روی معاهده برلن خودسر تسلیم شده (۱۸۶۳۰) مربع میل انگلیسی و دارای دو میلیون و نیم نفوس است، و تشویکه در حین جنگ میتواند حاضر نماید از هر حسیه بالغ می شود بدویست و بود هزار این امارت هم در سابه مشروطیت قوای جنگی خود را باعلی درجه رسانیده است

رومانیا

این امارت نیز در معاهده برلن خودسر تسلیم شده و (۵۰۷۲۰) مربع میل انگلیسی خاک و بالغ بر شش میلیون نفوس اوست، در حین صلح و املیت دارای شصت و پنج هزار قشون تحت السلاح است، و این قشون از چهار حصه ملکت گرفته می شود و در حین جنگ از سویمجات ارسه خود یکصد و هشتاد هزار قشون آماده میتواند نمود، علاوه بر هشتاد و هفت فوج ذخیره و بود و پنج فوج مایشیا و یکصد و شصت فوج لاسدرم

• • •

آنچه محقق است هیچ يك ازین امارتهايي علاوه حیثیت مالیه شان بدرجه نیست که بتوانند تمام قشون خود را برای مهاجمه در میدان آرند، این قدرت و اقتدار را از برکت قوانین مرتبه از قشون ملی حاصل کرده اند چون بیشتر این قشون تعلیم یافته اند در مدفئه دشمنان قوی بجه نیز تا يك اندازه کافی تصور می شوند

امارات مذکوره منها درجه ترقی را کرده و دست بجمع شب نافه ملکی زده، مع فایک دیون بسیار بر

آنها بار شده دخلشان هم چندان بر طرح شان نمی چربد و بدری بر رعایای خود مالیات و عوارض حمل کرده اند که دیگر جای افزایش يك مالیات هنگفت جدیدی برای جنگ باقی نمانده است، و همین نکات سبب گردیده است که برای هیچ يك ازین امارتها در بازار صرافان اروپا اعتبار يك استقرار بزرگی که برای يك جنگ عظیمی بکار آید ممکن نیست حالا بعضی از دول بنا بر مقاصد یابیکی خود وجهی بامم استقرارش آنها بدهند مسئله دیگر است

روی هم رفته که ملاحظه شود میتوان حکم نمود که امارتهای بالکان را بلا شبهه قوای دفاعیه موجود است و تا دیر باز میتوانند استقامت نمایند ولی قوت مهاجمه شان بواسطه قلت مالیه چندانی نیست اگرچه در مناقشات امروزه بالکان جمیع دول سرأ و یونان و آستریا علناً شرکت دارند، ولی تمام این مناقشه راجع بسنای و درملکت اوست، لذا مناسب می نماید که شمه هم از قوای جنگی عثمانی تذکره شود

عثمانی

در حین جنگ قشون منظم جدید السلاحیکه میتواند حاضر نماید ازین قرار است، آنچه در (اروپا بویل) آماده تواند نمود برای مدافعه دوازده رژیان سوار و یکصد و شانزده بتالین پیاده و ۲۹۴ توب است، و برای مهاجمه سیزده رژیان سوار و پنجاه و پنج بتالین پیاده و چهار صد و پنجاه مراده توب، رو به طرفه دولت عثمانی میتواند در میدان جنگ يك مایه و شصت مشق دیده جدید السلاح حاضر نماید که جهل و يك رژیان سواره نظام و دوازده رژیان پیاده ردیف و شصت رژیان سواران جدید و هجده بتالین توپخانه و صد و هشتاد و هشت توب میدان و پنجاه و دو بتالین توپخانه کوهی و هیجده بتالین توپخانه کوچک و سیصد و سی و هشت بتالین پیاده نظام و سیصد و هشتاد و چهار بتالین قشون ردیف نمره اول که نه سال تمام خدمات قشونی مسکونه و شصت و هفتاد و دو بتالین از ردیف صنف دوم حاضر میدان میتوانند نمود، ظاهر است با این استعداد اگر بنا شود با جمیع امارتهای بالکان هم مقابله میتواند نمود، و حیثیت مالیه عثمانی هم بلا استثنا میدیدم از تمام امارتهای

بالکان پیش است و چون خاک عثمانی وسیع و قابل همگروه
تسمیر و آبادی و جلب منافع است و بر رعایای خود هم
تحمیلات زیاد تا کتون نکرده اعتبارات فرسی هم از
جمله امارت های بالکان پیش دارد . و عثمانی را در هیچ
وقت از جنگ امارت های بالکلیف خوف و هراسی
بالاساه نبوده و اینک نیز نیست . چیزیکه امروزه
اسباب تردد خاطر شده دو امر است

اول - گرفتاری عثمانی در تکمیل مشروطیت خود
مسل است اگر رای عثمانی در چنین موقع جنگی پیش
آید در پیشرفت عمل مشروطیت حیل عیب خواهد افتاد
دوم - امروز میتوان اطمینان حاصل نمود که اگر
جنگی در بالکان پیش آید فقط بین عثمانی و امارات
عزیزه محدود ماند ، خارج از قیاس نیست که علناً بعضی
از دول های اروپا درین جنگ شامل شوند آستریا و
پولان که صراحتاً شامل یعنی خود مدعی اند و کمال
نیرو آستریا بدون تأیید و مشوره آلمان در الحاق رسمی
دو سوته ترکی که جنگ بر سر آرمکنی الوقوع است
اقدام نموده باشد و همین قسم پولان بدون مشوره روس
در الحاق حریره کریت

اگرچه آلمان رسماً دعوی بی اطلاعی میکند ولی
همین انگارش مزید بر توجه سیاسیون در همراهی آلمان
با آستریا و انقلابات بالکان میباشد و مسافرت وزیر
خارجه روس هم درین وقت محمیع بای تحت تأسیع دول
مبنی بر همین نکته میباشد خوب است براسیع شرح
موضوع که کمال اهمیت را دارد تلگرافات راجحه باین
انقلاب هم ذیلاً نگاشته آید

تلگراف روز راجع بانقلابات بالکان
(۲۸ شعبان - ۲۵ - ستمبر)

§ (مسیومنت جیابویچ) وکیل (بلغار) معیم (لندن)
حین ملاقات وقایع نگار (روز) اظهار داشته که عقیده وی
اینست که حکومت (بلغار) راه آهن (اورنیل) را
از کباب خواهد خرید ، و یا حکومت کفالت وضانت
حس اداره و انتظام آن را خواهد نمود ، این امر
برای حفظ مقام و املیت بلغاریاست چه حکومت بلغار
اجازه نمی تواند داد که خط آهنی که در مملکت و بای تخت
او کشیده شده تحت حکم خود باستانی باشد ، ولی درین
مناقصه جنگی واقع نخواهند شد ، او را رسماً خبری نرسیده

که بلغار خود را آزاد اعلان خواهد کرد ، ولی عقیده
شخصی وی اینست که موقع و هنگام آزادی نامبار
رسیده ، و بلغاریان نمی تواند سیر را آنکه استقلال
خود را مسلم دارند به سری دیگر بردزد

§ (مسیو السوالسکی) وزیر خارجه روس معیت
(مسیو مورادیف) سفیر دولت روس معیم (روم)
در (دیسبو) بتاريخ ۲۸ وارد و مهان (سگرتینوی)
خواهند بود (مسیو السوالسکی) و (سگرتینوی)
(اعلی حضرت امایول) بتاريخ ۳۰ ستمبر در (راوینسکی)
ملاقات خواهند نمود

(۲۹ شعبان - ۲۶ - ستمبر)

§ (مسالی مدول اروپا یاد) داشق پیش نموده که امضا
حکومت (بلغار) راه آهن (اورنیل) را در معنی دست
دراری محقوق عثمانی و معاهده برلی است . و باید
دول امضا کننده عهدنامه برلی رسماً او را منع نماید

§ (مسیو السوالسکی) وزیر خارجه روس در روز
سفیر آلمان (هرور - سگوتین) در (برنگارتن)
ملاقات نمود

§ کمان میروود مشاوره نه بین وزیران روس و
آلمان و آستریا - و ایتالیا . شده راجع بمعاملات بالکان
است - غالباً تصکره شده که اراده دولت آستریا
اینست که (وسیبیا) و (هر دنگوویسا) را ملحق
بآستریا باید از درائی طاهر می شود که (بلغارنا) راه
آهن (رومینیا) را نیز بخواهد منصرف شود و در
خیال محالست تا عثمانی بیست خط طالب استقلال است
§ تلگرافی از اسلامبول رسیده که سران عثمانی -

مناقشه (بلغار) چند برین دارند ، و عهده شان
این است که این مناقشه طاحلا اتصال خواهد یافت

(۲ رمضان - ۲۸ - ستمبر)

§ در روز در (سوویا) مجلس برکی متعدد و اهالی
تحریر نموده اند که راه آهن (رومینیا) باید تحت
حکم دولت عثمانی باشد

§ تلگرافی ر (سوویا) رسیده که سران آلمان
و آستریا را هدایت شده که از تصرف حکومت
بلغاریا راه آهن (رومینیا) رسماً شکایت میکنند چه
این راه آهن در اراضی خارج از نامار میباشد آرا
بمالت خود باید گذارد حکومت (بلغار) با کمال استقلال

(۷ رمضان - ۳ اکتوبر)

§ غالب دامیان را عقیده اینست که مناقشه راه آهن بلغاریا صلح حواهد انجامید ، ولی تاکنون از حکومت (بلغار) علام صلح ظاهر نمی شود ، اغلب مردم را خیال این است که (بلغار) خود را در موقعی گذارده که ممکن نیست به تهدید با او پیش آمد

§ وقایع نگار (بایر) از لندن می نویسد که در (ویانه) مشهور است که دولت (آستریا) تحریک دولت روس را در خصوص حکومت (بلغار) نمی پسندد وقایع نگار (طمس) می نویسد که اگر مراد دولت روس از تحریک تجربه نمودن امضا کنندگان عهدنامه (برن) است شد ، عقیده وقایع نگار منبر اینست که آستریا بر (بوسینیا) و (هرزیگووینا) قبضه خواهد نمود

§ سفرای دولت (آستریا) را مکتوب دستخطی امپراطور (فرانسس جوزف) در خصوص حالات (بالکان) رسیده و بسلاطین تقدیم نموده اند ، عنوان مکتوب هنوز معلوم نیست ولی بسیار برا عقیده اینست که درباره (بوسینیا) و (هرزیگووینا) نوشته شده است

(۸ رمضان - ۲ اکتوبر)

§ دولت انگلیس تحریکاتی چند در خصوص تصفیه مسئله راه آهن بلغار ، به دولتین عثمانی و بلغار پیش نموده ، دولت عثمانی بر آن رضاه داده ، که ابتداء خط راه آهن را به کیانی مسعود درند بعد از آن اجازه نامه از کیانی بنام حکومت (بلغار) گرفته شود ، و حقوق باعالی هم هماره برقرار ماند ،

§ دولت انگلیس از امضا کنندگان عهدنامه (برن) خواهش نموده که حکومت (بلغار) را راضی بر قبول این تحریک نمایند دول هم خواهش دولت انگلیس را قبول نموده اند

(۹ رمضان - ۵ اکتوبر)

§ حکومت (بلغار) امروز تصریح نمود مختاری سلطنت بلغار در (تیرنوو) دارالاماره قدیم نموده ، و فوراً با (سیر فلایسو) گفتگو کرده و آخرالذکر بعد از آن با (سرفرانس برتی) ملاقی شده قیمت سندات استقراضی ساعت بساعت تزل میکند

§ سیاستون تمام معترف اند بر اینکه اروپای شرقی

حواپ داده که رعایا از استرداد راه آهن طامع و حکومت آبدی خساره کپی را قبول دارد
§ دولت انگلیس حکومت (بلغار) را آگاه نموده که در تصرف راه آهن (رومیلیا) برخلاف قاعده حرکت کرده است

(۳ رمضان - ۲۹ ستمبر)

§ (برس فردینند) بلغار که فعلاً در سیاحت (ویانه) است - رئیس الوررا و وزیر تجارت را طلبیده - مد از مشوره وزراء مراحه صوفیا نمود

(۴ رمضان - ۳۰ ستمبر)

§ بطریق رسمی اعلامی در (روم) اشاعت یافته که عوحد آرتیجه ملاقات (مسیرالسوالسکی) وزیر خارجه روس و (سگتر تیتون) در (دیسبو) ظاهر میدارد که دولتین روس و ایتالیا در حال حالیه عثمانی متفق الرای اند

§ دولت فرانس بهرامی دول دیگر برخلاف قبضه بلغار راه آهن (اورینتل) شرکت نموده

§ اعلیحضرت (امانیول) در (ریک کونیکی) با مسیو السوالسکی سکرتیون و کونت مورادیف ملاقات نمودند
(۵ رمضان - اول اکتوبر)

§ از اخبارات صوفیا ظاهر میشود که اطارت بلغار جواب خط دول اروپا را آماده نموده ، و سبب قبضه بر راه آهن را فصل نگاشته و نیز بیان کرده که مشکل است باحالت اولیه مجدداً راه آهن سپرده شود افسران اسلامبول را عقیده این است که معامله بلغار را باید صلح انجام داد

§ دولت روس را باین مصدین خطی اشاعت یافته که در تصفیه راه آهن (اورینتل) لازم است کاترسی شده دولیک در امضای عهدنامه بران شرکت داشته اند تسویه و تصفیه نمایند - دولت فرانسه عقیده روس را در این خصوص تأیید مینماید

(۶ رمضان - ۲ اکتوبر)

§ انقلاب بالکان تزل بسیار در قیمت سندات استقراض وارد آورده

§ بر حسب اطلاع مخبر روز افسران (بلغار) برای دولت منبوعه خود در (انگریا) اسب می خرند

در حال بسیار خوفناکی دچار است. جراند لندن متحد الکلمه بر حرکات (بلنر) و ارادات دولت (آستریا) از قبضه (بوسینیا) و (هرزیگووینا) نکته جینی می نمایند. و این مردو حرکت را برخلاف عهدنامه (برلن) میگویند. معلوم نیست که سایر دول اروپا بکدام نظر این حرکات را بنگرند. و کار دارد که غالب دول اروپا مخالف با این حرکات بد

تاکرانی از پاریس در روزنامه (طمس) اشاعت یافته که دولت آلمان طاهرأ برخلاف بیح عهدنامه (برلن) میباشد. دولت (ایتالیا) تحریک میکند. (نوی بارار) به دولت عثمانی واگذار شود. و فصل ۲۹ عهدنامه (برلن) که در خصوص امارت (مانی سگرو) میباشد ترمیم شود. دولت روس به دولت امضا کنندگان عهدنامه (برلن) خبر داده که اگر (آستریا و بلغاریا) فصول دقیقه عهدنامه (برلن) را فسخ نمایند دولت روس نیز فصل راجع به (داردنلر) را فسخ خواهد کرد (برس فرزند) که از (بودپست) مراجعت کرد فوراً به (تیرنوو) مامورای خود رهسپار شد

امپراطور (آستریا) خطی که به دول سائر نوشته خلیلی موضوع بحث حراند گردیده. یکی را رأی اینست که در خط امپراطور موصوف تمام حالات بالکان را با کمال وضوح نوشته و تذکره از قبضه (بوسینیا) و (هرزیگووینا) نموده. علاوه توضیحات داده که از این امر مخالفت با عهدنامه (برلن) هیچ نوع نخواهد شد

روزنامه نیم رسمی آستریا (بوهیری بریشی) می نویسد که مسئله الحاق (بوسینیا) و (هرزیگووینا) تغییر و تبدیلی در آنجا پیدا نخواهد کرد. فقط مقصود این است که يك نکته بر طالبان رسماً ظاهر شود که آن دو ایالت از سلطنت آستریا هرگز عاید نمیشود. و اقتدار آستریا بر آن دو ایالت امر مشکلی نیست. سایر حراند آستریا هم این سخن را تأیید می نمایند. روزنامه انگلیسی این مراتب را خالی از م و هراس نمی نگرند. در (سرویا) اهالی خلیلی از اقدامات آستریا مضطرب اند (برلن) در این امر با کمال ابقان بیان می شود که جواب (آلمان) تأیید امپراطور (فرانس جوزف) را خواهد نمود در خصوص الحاق (بوسینیا) چه آلمان را عقیده اینست که این مسئله خارج از مسئله بلغاریاست (دم رمضان - ۶ اکتوبر)

(کونت میسورف) - غیر (آستریا) خط امپراطور را در (بالورل) می برد

خبر (روتر) رساله خبر یافته که دولت انگلیس هیچ وجه راضی نیست تبدیلی در عهدنامه (برلن) شود بفر رسانندی تمام دول امضا کنندگان عهدنامه. و قبل از مشوره هیچ حرکتی برخلاف عهدنامه از راه کتت کار بدرقه نیست

(سرادوردگری) وزیر خارجه انگلستان به شهر مراجعت نمود. تا درباره با نمایندگان دولتین عثمانی و ایتالیا گفتگو میکرد.

گفته می شود اگر دولت عثمانی از دول اروپا مساعدت نماید که درباره راه آهن تهدید به باقار شود. آلمان رضا نخواهد داد چه عیده آلمان قشون عثمانی فعلاً مهیای کاردار نیست و لشکریان مانع کاملاً آماده و منظم اند

(مسیو اسوالسکی) با (مسیو پیشون) امروز صبح تا درباره گفتگو میکردند. تاکرانی از اسلامبول رسیده که مجلس وزراء منعقد و مشغول بکارند. مظلون است که با باالی به دول اروپا شکایت از مخالفت در مواد عهد نامه (برلن) خواهد نمود

(برس فرزند) تاکرانی با عیاض حضرت سلطان نموده که او مجبور است از پیروی رأی رعایای خود و امیدوار است که اتحاد با عثمانی هماره برقرار ماند مجلس وزرای عثمانی در تدارك جواب داد غالباً در جواب شکایت از حرکات (برس فرزند) نموده خود بخاری (بلغار) را قبول نخواهند نمود. اهالی اسلامبول تمام خاموش در کمال سکون و وقار حرکت می نمایند

از اخبارات (سوفیا) ظاهر می شود که فرطان در ور عصر صادر شده که اعلان آزادی بهار حسب خواهش رعایا بوده و امید است دول اروپا بر این امر ترضیه خود را ظاهر خواهند نمود. (برس فرزند) معیت و در راه یسنت (قلیو پولیس) رهسپار شد و حکم بفرم شدن (۱۰۰۰۰۰) قشون داده. و ککیل کپانی راه آهن (اورینتل) بحکومت (بلنر) اطلاع داده که اگر راه آهن مذکور را بین ۳ روز تسلیم نکند روزانه (۱۰۰۰۰۰) فرانک خساره باید بدهد

در (بلگرید) دارالاماره (سروا) دیش يك مجلس برخلاف دولت آستریا منعقد شده. صداها بلند بود که آستریا را بردارند. حکم صادر شده (۱۲۰۰۰۰) قشون ذخیره سرویا مهیا و آماده شود

دولت (آستریا) دولت عثمانی را رسماً آگاه داده که ترك تصرف (نوی بازار) را خواهد کرد

§ خبری از پاریس رسیده که (میو پشوف ، مسیه - سراسکی ، و سر فرانس برنی) امروز در خصوص کابریس دول و اغتشاشات بالکان گفتگو نموده اگر چه مسئله متنازع فیه روز بروز محوف می شود ولی انعقاد کابریس دول از ممکنات است

§ سلطان در جواب مراسله (پرس فریدیند) نوشته که در مسئله متنازع فیه دولت عثمانی رجوع بدول امضا کننده معاهده (برلن) نموده است

§ نماینده امارت (سرویا) مدیم اندلس مشافهتاً وکیل (روتر) اظهار داشته که الحاق (بوسنیا) رای (سرویا) امری است شرمناک ، چه غالب رعایای (بوسنیا) اهالی (سرویا) میباشند و رای یک دقیقه هم نمی تواند دیگری را بر خود حکمران و دخلیل کند ، و بزرگمهر همین (بوسنیا) دو مرتبه (سرویا) دچار حاکم شده ، علاوه بر این (آستریا) بعد از الحاق (بوسنیا) بر (سالیویکا) هم دست درازی خواهد کرد و مورث نقصانات پلنکی و مجارتی (سرویا) است ، این وقت حکم بر نتیجه این مناقشه نمیتوان کرد ، ولی در این خصوص لابد است حکومت بروی از آراء ملت نماید

(۱۵ رمضان . ۷ اکتوبر)

§ امپراطور (فرانس جوزف) حکمی بر ویراه خود صادر نموده در آن اشاره بانقدار وقوع رسیده آستریا در (بوسنیا و هرزیگووینا) نموده ، و بیان شده که بموجب این حکمنامه دولت عثمانی هم باید ایالت (بوی با زار) را تصرف نماید و حجه انتخاب اعضای مجلس شورای ملی ازین دو امارت جدیده انتظام شود ، اعلانی تمام رعایای (بوسنیا و هرزیگووینا) انتشار یافته بموجب آن اعلان امپراطور اظهار داشته که قانون مشروطیت آستریا در این دو امارت برقرار خواهد شد ، امید است که اهالی این دو ایالت با وفا داری تمام با دولت متبوعه خود پیش خواهند آمد

§ نااهالی نیز در این دو ایالت اعلانی اشاعت نموده که تا حين انفصال امر رعایا باید خوااموش نشینند ، بموجب خبریکه از اسلامبول رسیده عده کفیری از اهالی اتفاق نموده دیروز سفارتخانه انگلیس رفته سفیر مشا را به راتبریک گفته و مخبره با سیم تلگراف با (اعلیحضرت ادورد هفتم) و (سرکلادولونهر) نموده اظهار تشکر از اقدامات مستقله دولت انگلیس کرده اند مجالس عمومی موقوف شده تا دولت با اطمینان کامل اقدام بکارها نماید ، وضع اسلامبول این وقت شیبه است بوضع ژاپون در زمان بستن عهدنامه (شیمو نویسی بود)

§ در (انگریز) دارالاماره سرویا مجلس بزرگی منعقد شده (مبور) رئیس مجلس بود ، تحریکات چند برخلاف (آستریا) درین مجلس پیش شد ، تمام داد و ستد و تجارت بسبب این مجلس موقوف ، افسران فوجی (آستریا) را از متفق سربازان (سرویا) علیحده نموده ، هر آن الحاق (کریت) را با (یونان) مد نظر گرفته اند

§ (طمس) و (دبی نیوز) برخلاف انعقاد کابریس در مناقشات بالکان سخن میبراند ، رأی آنها اینست که کابریس دول جنم بوشی از مخالفت عهدنامه (برلن) خواهد نمود ، و بردولت عثمانی بار دست درازی شده هر چه از دول خواهد رسید

§ تلگرافی از (پترزبرگ) محریده (طمس) رسیده که فردا دولت روس برای انعقاد کابریس بین الدولی در (پترزبرگ) اعلان رسماه پیش خواهد نمود

§ (سکرتیتونز) رئیس الوزراء ایتالی شب گذشته در (برایند) ضمن نطق خود اظهار داشت ، که تصور نباید کرد چاره سازی بردقایق امور هر وقت ممکن نیست کار روان شود ، دولت (ایتالیا) برای مقابله هر واقعه بزرگی آماده است ، و باکمال اطمینان ودقت نظر بر واقعات امروزه نظر می کند

§ اهالی جزیره کریت رضایت خود را در الحاق به دولت (یونان) بذریعه اظهار جاری کرده و افسران (یونان) را محکومت پسندیده اند

§ در خصوص کابریس بین الدولی مراسله رسماه دولت روس امشب صادر خواهد شد ، کمان می رود که این کابریس رای بحث و مسائل راحه به (آستریا و بلغاریا) خواهد بود ، و گفتگر از امور دیگر نخواهد شد ، چه خوف آن می رود که مداخلت عثمانی بر حقوق عثمانی شده بین سایر دول هم کدورتی واقع شود

§ (سر ادورد گری) وزیر خارجه انگلستان در (اهلر) واقع (نارتهمبرلند) رفته در آنجا امشب نطق خواهد نمود

§ امارت (سرویا) بدول اروپا سخت شکایت از اقدامات آستریا در الحاق (بوسنیا) نموده است

§ در (بلگریه) دارالاماره سرویا برخلاف دولت آستریا مجالس عدیده منعقد شده و دروازه سفارتخانه (آستریا) را قطعه قطعه نموده اند

(۱۲ رمضان - ۸ اکتوبر)

§ (سر ادورد گری) وزیر خارجه انگلیس در (اولر) وستر (اسکوت) در (لیون) شب گذشته ضمن نطق خود اظهار داشته اند که دولت انگلیس قبل از